

دوره جدید - شماره پنجاه و پنجم
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

همه محله

محله قهرمان‌ها

روایت ایثارگری‌ها، نخبگی‌ها
فره‌یختگی‌ها، مطالبه‌ها
و مشکلات محله همت‌آباد

به همراه گفت‌وگوهایی با نخبگان، ایثارگران و فعالان محله

روح‌الله نورشرق (برادر شهیدان حجت‌الله و آیت‌الله)، سید اکبر هاشمی (فرمانده پایگاه بسیج شهید بهشتی نژاد مسجد امام سجاده)، مصطفی غلامعلیان (برادر شهیدان عباس و علی و جانباز اکبر)، زهرا لای (نوجوان قهرمان تنیس روی میز)، رضا عابدی (روان‌شناس و فعال فرهنگی محله)، محمود کریمی (آرایشگر قدیمی محله)، جواد جمشیدی (فعال مسجد خاتم الانبیا)

گفت‌وگو با علی باقری، مدیر منطقه ۶ درباره اقدام‌های شهرداری در منطقه
و مطالبه‌ها و پرسش‌های ساکنان محله همت‌آباد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵

گزارشی از نمایشگاه سردار شهید اصغر لای
و روایت زندگی او از زبان فرزندش رسول



زینب دبیری

مفت آبادی که «همت آباد» شد

گفت‌وگو با مردم و معتمدان محله همت‌آباد و روایت قصه تغییر در محله



محله همت‌آباد اصفهان یکی از محله‌های درحال تغییر در جنوب شرقی شهر اصفهان و در منطقه ۶ شهرداری است. نخستین ساکنان این محله در سال ۱۳۴۵ با مهاجرت از شهرستان‌های اطراف در این منطقه ساکن شدند. بعدازآن در زمان جنگ مهاجرت مردم شهرستان‌های اصفهان و شهرهای جنوبی کشور به اینجا ادامه پیدا کرد.

در آن زمان این محله به دلیل ارزانی زمین‌هایش به «مفت‌آباد» مشهور شد و در نهایت این محله با گذراندن‌های باریک و متراژ کم خانه‌ها، شکل گرفت.

محله همت‌آباد در سال ۱۳۸۵ توسط بزرگراه شهید همت در امتداد بزرگراه آقابابایی که یکی از معابر اصلی شمال به جنوب در اصفهان است، به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد و از آن زمان تغییراتی در این محله آغاز شد.

مهاجران و شکل‌گیری محله همت‌آباد

اسماعیل حیدری، یکی از ساکنان بسیار قدیمی محله همت‌آباد است که حدود ۵۰ سال است در این محله زندگی می‌کند. از او در رابطه با چگونگی شکل‌گیری محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «حدود ۸۰ سال پیش بیشتر زمین‌های اینجا خالی از سکنه بود، به همین علت زمین‌های بسیار ارزانی داشت که بسیاری از مهاجران آن‌ها را خریداری کردند و خانه ساختند و از آن زمان پایه‌های شکل‌گیری محله ایجاد شد.»

همت‌آباد و زمین‌های ارزانی آن در گذشته

از حیدری درباره دلیل نام‌گذاری محله «مفت‌آباد» می‌پرسیم. او می‌گوید: «در آن زمان برای خرید زمین‌ها رسم بر این بود که فرد متقاضی کلوخی را پرتاب می‌کرد و هرکجا که کلوخ روی زمین می‌افتاد آن زمین به او تعلق می‌گرفت و می‌توانست دور آن حصار بکشد و خانه‌سازی کند.»

قبل از انقلاب و فقر حاکم در منطقه

این معتمد محله از فقر حاکم در منطقه به‌ویژه قبل از انقلاب تعریف می‌کند و می‌افزاید: «آن روزها رشد شهری در محله بسیار پایین بود. خاطرم هست تنها یک خیابان در محله بود که دو جوی آب در دو طرف خیابان قرار داشت و حمام شخصی که در خانه‌های مردم و به یاری اهالی محله

احداث شده بود.»

او از مهاجران چنین تعریف می‌کند: «بیشتر اهالی اینجا از روستاهای اطراف اصفهان مانند طاحونچه، زرین‌شهر، دروازه‌تهران، دهق و علویچه هستند که به‌منظور یافتن کار به این محله آمدند و از ساکنان اولیه همت‌آباد هستند.»

محله‌ای با قدمت نزدیک به ۷۰ سال

دستش را به سمت پادگان که آن طرف اتوبان قرار دارد دراز می‌کند و می‌گوید: «آن روزها در کنار این پادگان صحرای بسیار بزرگی قرار داشت. در حقیقت این محله در آن زمان خارج از شهر اصفهان بود، بعدها که زمین‌ها خریداری و ساخت‌وساز آغاز شد، متوجه شدیم که این مکان در گذشته بخشی از قبرستان شهر اصفهان بوده است.»

او به گسترش شهر به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند و می‌افزاید: «آن روزها پل بزرگمهری وجود نداشت و خیابان اصلی تا نزدیک بیمارستان صدوقی بود و ادامه آن صحرا بود. خاطرم هست حدود ۵۰ سال پیش شاید

هم بیشتر تعداد زیادی باغ در نزدیکی همین خیابان آبشار بود و بعد از غروب آفتاب، عبور و مرور خلاف‌کاران در محله زیاد می‌شد؛ به طوری که از ساعت ۷ بعدازظهر به بعد کسی جرئت رفت‌وآمد در محله را نداشت.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا بسیاری از مهاجران اینجا را برای سکونت انتخاب می‌کنند، توضیح می‌دهد: «مهم‌ترین دلیل انتخاب اینجا، این بود که زمین‌های بسیار ارزانی داشت و مهاجران می‌توانستند به راحتی در آن زندگی کنند؛ بدون اینکه وارد بافت سنتی و محلی شهر اصفهان شوند. این دلایل در نهایت موجب خرید تعداد زیادی از زمین‌ها توسط همین افراد و تشکیل همت‌آباد شد.»

تغییر مسیر مهاجران از ۲۴ متری به محله همت‌آباد

حیدری به محله ۲۴ متری اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در ابتدا انتخاب بسیاری از مهاجران شهر اصفهان محله ۲۴ متری بود بعدها و با کم‌شدن زمین‌ها عده دیگری از مهاجران اینجا را برای سکونت انتخاب کردند. البته غیر

از مهاجران نزدیکی همت‌آباد به محله تخت فولاد نیز عامل اصلی جابه‌جایی بومی‌های آن محله به اینجا و سکونت آن‌ها در همت‌آباد شده است.»

از او در رابطه با فرهنگ محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «با توجه به اینکه بیشتر ساکنان محله مهاجر هستند، طبیعی است که فرهنگ‌های متفاوتی داشته باشند. همت‌آباد از افراد با سبک‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی تشکیل شده است.»

کارگران کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و سکونت آنان در همت‌آباد

از این معتمد محله درباره شغل و حرفه نخستین ساکنان محله می‌پرسیم. او چنین توضیح می‌دهد: «آن روزها کارخانه‌های زیادی در داخل شهر اصفهان قرار داشت مثل کارخانه ریسندگی و بافندگی شهناز و... همت‌آباد هم دسترسی بهتری به کارخانه‌ها داشت و تعداد زیادی از این کارگران این کارخانه‌ها را برای زندگی انتخاب کردند.»

حیدری با اشاره به تهیه سند برای بسیاری



هستند و به علت تفاوت در فرهنگ و حتی آداب و رسوم این گروه‌ها، مساجد بسیاری در محله همت‌آباد قرار دارد؛ مثل مسجد محمودآبادی‌ها یا حسینیة شهرضایی‌ها و... که هرکدام برنامه‌های ویژه خود را داشته و میزبان بومی‌های منطقه خود هستند.»

امینی به افزایش روند ساخت‌وساز و گسترش آپارتمان‌سازی در محله همت‌آباد اشاره و بیان می‌کند: «افزایش این نوع ساخت‌وسازها موجب ایجاد رفاه، آرامش و آسایش بیشتر در ساکنان و همچنین در محله شده است؛ ضمن اینکه با گسترش آپارتمان‌نشینی دیگر شاهد دعوای قومیتی در این منطقه نیستیم که این امر بیانگر تغییر نگرش و افزایش فرهنگ ساکنان با روند روبه‌رشد شهرسازی در منطقه است.»

همت‌آباد و اهالی با فرهنگ آن

این معتمو محله همت‌آباد به اهالی با فرهنگ محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «با وجود اینکه نام محله سالیان سال است بد نشان داده شده؛ اما به جرت می‌توانم بگویم که بسیاری از خانواده‌های ساکن در اینجا از سبک زندگی و فرهنگ بسیاری بالایی برخوردار هستند.»

از او درباره شغل ساکنان این محل می‌پرسم؛ می‌گوید: «بیشتر ساکنان اینجا کاه‌فروش، چوپان یا نقاش بودند. بعدها با گسترش زندگی شهری بیشتر ساکنان اینجا کارمند بوده و یا استخدام آموزش و پرورش هستند.»



می‌پرسم، می‌گوید: «بیشتر ساکنان این محله مهاجران مختلف از محله‌ها و شهرهای اطراف اصفهان هستند؛ مثل محمودآباد، شهرضا، لرها و بختیاری‌ها و در سال‌های اخیر گروهی از اهالی ایذه را شامل می‌شود.»

این معتمد محله، همت‌آباد را محله‌ای مهاجرنشین معرفی می‌کند و ادامه می‌دهد: «نخستین ساکنان اینجا مهاجرانی بودند که برای یافتن کار و حرفه مناسب به اصفهان سفر کردند و در نهایت به دلیل ارزانی و دسترسی مناسب، اینجا را به یکی از بهترین مقاصد برای خرید و فروش تبدیل کرده است.»

او با اشاره به مسجدهای محله، می‌گوید: «با توجه به اینکه تمام ساکنان این محله مهاجر

همت‌آباد، می‌گوید: «زمانی این محله به علت نزدیکی به خیابان سجاد به نام سجاد معروف شد و در نهایت پس از شهادت روحانی معروف محله به نام خیابان شهید خلیلی شهرت پیدا کرد و در حال حاضر بسیاری اینجا را به نام شهید خلیلی می‌شناسند.»

او به فعالیت‌های شهرداری منطقه ۶ برای عریض‌کردن خیابان‌های محله اشاره می‌کند و می‌افزاید: «آغاز فعالیت عریض‌کردن خیابان‌های محله مربوط به چند سال اخیر نیست؛ بلکه از سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی آغاز شده و در حال حاضر نیز ادامه دارد.»

از امینی در رابطه با ساکنان محله همت‌آباد

از ملک‌های محله همت‌آباد، می‌افزاید: «در گذشته سندی مبنی بر مالکیت خانه برای فرد خاصی وجود نداشت. در حال حاضر روند سنددارکردن بسیاری از زمین‌های اینجا به سرعت سپری شده و تعداد زیادی از خانه‌ها سنددار شده‌اند.»

همت‌آباد: زمین بایری که در نزدیکی پادگان قرار داشت

علی امینی، یکی دیگر از معتمدان محله همت‌آباد است. او از گذشته‌ها و زمان تأسیس این محله می‌گوید: «محله همت‌آباد که در گذشته به مفت‌آباد معروف بود، حدود ۷۰ سال قدمت دارد. آن روزها در این منطقه زمین‌های بایری قرار داشت که در نزدیکی پادگان و در خارج از شهر اصفهان قرار گرفته بود. آن زمان شخصی به نام حاج رضا عابدی به ازای ۱۰۰ تومان پول که آن زمان مبلغ بسیار ناچیزی بود، زمین‌ها را به خریداران واگذار می‌کرد.»

او ادامه می‌دهد: «سنگ‌اندازی یا به عبارتی کلوخ‌اندازی، یکی از کارهای رایج برای خرید زمین در این منطقه بود. این کار توسط مشتری انجام می‌شد و در نهایت هرکجا سنگ روی زمین می‌افتاد، آن مقدار زمین به فرد به ازای پرداخت مبلغ ناچیزی تعلق می‌گرفت.»

محله‌ای مزین به نام روحانی شهید خلیلی

این معتمد محل با اشاره به نام قدیمی محله

از همت‌آباد تا میدان همت روایت روح‌الله نورشرق از برادران شهیدش حجت‌الله و آیت‌الله



منیره فهامی



شهادت برادرم حجت‌الله، به او پیوست. پیکرش در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده شد. در شهرستان دهقان نیز برای هر دو برادرم، سنگ یادبودی نصب شده است.

شهید حجت‌الله نورشرق

حجت‌الله در پانزدهم شهریور ۱۳۴۶ در شهرستان دهقان به دنیا آمد. اهل مسجد، دعا و نماز شب بود؛ صدای خوشی داشت و در مراسم شهدا مداخلی می‌کرد؛ دعای کمیل، توسل و دیگر ادعیه را با اخلاص می‌خواند.

او عضو انجمن اسلامی دبیرستان هراتی و از اعضای فعال پایگاه بسیج شهید بهشتی مسجد الصادق بود. با وجود سن کم، از ابتدای انقلاب در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات حضوری پررنگ داشت؛ حتی با بچه‌های محل، گروهی برای گشت شبانه و حفاظت از انقلاب تشکیل داده بودند که پس از پیوستن به بسیج، این فعالیت‌ها شکل منسجم‌تری گرفت.

حجت‌الله مسئول گروه نوجوانان پایگاه بسیج بود و کلاس‌های فرهنگی متعددی برگزار می‌کرد. بسیار شجاع و ترس بود و در عین حال، اهل منطق و استدلال. بیان گرم و دلنشینش باعث می‌شد بزرگ و کوچک پای حرفش بنشینند. همین اخلاق و صداقتش، بسیاری از جوانان کوچه و خیابان را به پایگاه بسیج جذب کرد. حجت‌الله در سال دوم متوسطه و در رشته انسانی تحصیل می‌کرد که به عنوان

در کوچه‌پس‌کوچه‌های محله همت‌آباد، به خانه‌ای می‌رسیم که نامش با ایثار گره خورده است، خانه‌ای که دو فرزندش را در راه اسلام و ایران تقدیم کرده و هنوز صدای دعا، مداخلی و خاطره، در شریان این بنا جاری است. روایت پیش رو، گفت‌وگویی است با روح‌الله نورشرق؛ برادری که از آسمانی‌شدن دو برادرش، حجت‌الله و آیت‌الله نورشرق می‌گوید.

شهید آیت‌الله نورشرق

اسمش آیت‌الله بود؛ اما در خانه او را «فرهاد» صدا می‌کردیم. متولد ۱۳۴۳ بود. دوران دبستان و راهنمایی را در مدارس نیایش و کوروش اصفهان ادامه داد و تحصیلاتش را در مدرسه شریعتی به پایان رساند.

در تمام دوران تحصیل، شاگردی ممتاز و نمونه بود. اخلاق نیکو داشت و اطرافیان را به نماز، روزه و قرآن دعوت می‌کرد. بعد از شهادتش تازه فهمیدیم که طلبه بوده و آموزش‌های رزمی هم می‌دیده است.

پیش از اعزام به جبهه، مسئولیت پایگاه شهید بهشتی اصفهان را برعهده داشت. پانزدهم فروردین ۱۳۶۱ از سپاه اصفهان به جبهه اعزام شد و به عنوان معاون فرمانده گردان فعالیت می‌کرد. در یکی از عملیات‌ها ابتدا از ناحیه دست مجروح شد؛ اما سرانجام در اسفند ۱۳۶۲، در عملیات خیبر و در جزیره مجنون، بر اثر انفجار خمپاره به شهادت رسید. آیت‌الله تنها ۱۸ سال داشت و چهار ماه پس از

مجروحیت، سرانجام در آبان ۱۳۶۲، در تپه سنگ معدن مریوان و در میدان مین، در ۱۶ سالگی به شهادت رسید.

بسیجی راهی جبهه شد. در نخستین اعزام، در منطقه پاسگاه زید از ناحیه گردن ترکش خورد. او پس از چندین بار



مریم نقیان

پایگاهی به وسعت یک محله

گفت‌وگو با سید اکبر هاشمی، فرماندهی که مسجد امام سجاد (ع) را به محور تربیت تبدیل کرده است



مسجد امام سجاد (ع) در خیابان سجاد، سال هاست فقط محل اقامه نماز نیست؛ این مسجد با محوریت پایگاه بسیج شهید بهشتی‌نژاد، به قلب تپنده فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و جهادی محله تبدیل شده است. پایگاهی که با فرماندهی سید اکبر هاشمی، دکترای علوم قرآن و حدیث، توانسته نسل‌های مختلف، از نوجوان تا پیش‌کسوت را در مسیر رشد دینی، علمی و اجتماعی همراه کند و الگویی موفق از مسجدمحوری در محله ارائه دهد. فرمانده پایگاه شهید بهشتی‌نژاد پس از سلام و احوالپرسی به معرفی خود و پایگاه می‌پردازد: متولد سال ۱۳۴۸ هستم و بیش از دو دهه است که با سمت فرمانده پایگاه بسیج شهید بهشتی‌نژاد مسجد امام سجاد (ع) که در در خیابان سجاد واقع شده، به اهالی محله خدمت می‌کنم. پایگاه بسیج شهید بهشتی‌نژاد در راستای جذب و انسجام نیروها تلاش زیادی کرده است؛ به عنوان مثال اکنون هیئتی از بچه‌های بسیج تشکیل شده است. در هیئت محبان حضرت ثامن‌الائمه (ع) افرادی حضور دارند که از کودکی وارد پایگاه شده‌اند و پس از انس‌گرفتن با بسیج اکنون که صاحب فرزند هستند هم در برنامه‌ها و فعالیت‌ها و هیئت پایگاه حضور فعالی دارند. برنامه هیئت محبان حضرت ثامن‌الائمه (ع) به این صورت است که هر ۱۵ روز یک بار جلسه جهاد تبیین، روشنگری و بصیرت‌افزایی، مشاوره خانواده، احکام، سخنرانی، ادعیه، تفسیر نهج‌البلاغه و... را داریم. از فرزندان آن‌ها نیز دو گروه سرود تشکیل دادیم و برای برگزاری مراسم از آن‌ها بهره می‌بریم. در هیئت چند نفر از دوستان نیز آموزش دیدند و در حوزه اجرای برنامه‌ها و رویدادها، برنامه را به آن‌ها می‌سپاریم.

محتوای برنامه برای هر سنی متفاوت است

هاشمی سپس به معرفی هیئت نوجوانان و برنامه‌های فرهنگی و ورزشی می‌پردازد: نوجوانان و جوانان بسیج نیز یک هیئت به نام حضرت قاسم بن الحسن (ع) دارند؛ چرا که اختلاف سنی نوجوان و جوان با پیش‌کسوتان و میان‌سالان بسیج زیاد است

جوانان اگر می‌خواهند تأثیرگذار باشند باید جایگاه علمی خوبی داشته باشند

او در ادامه به موفقیت‌هایی که پایگاه کسب کرده اشاره می‌کند: از موفقیت‌هایی که می‌توانم نام ببرم تربیت مربی است. خدا را شکر از نظر تربیت مربی تخصصی در حوزه سیاسی و راوی که ضرورت جامعه است را حتی می‌توانیم به خارج از پایگاه نیز معرفی کنیم تا از آن‌ها استفاده کنند.

در حوزه کلاس‌های علمی نیز کلاس‌های آموزشی و تقویتی برگزار می‌کنیم و تلاش می‌کنیم این کلاس‌ها را بتوانیم به بهترین شکل برگزار کنیم؛ چراکه معتقدیم که جوانان اگر می‌خواهند تأثیرگذار باشند باید بتوانند از نظر علمی جایگاه خوبی داشته باشند.

برای خواهران نیز در حوزه تحکیم بنیاد خانواده، مشاوره‌های خانوادگی، تفسیر و تبیین نهج‌البلاغه، کارگاه‌های آموزشی فرزندآوری و... برنامه داریم. یکی از برنامه‌هایی که برای مخاطبان پایگاه تأثیرگذار بوده پرده‌خوانی است. زندگی اهل‌بیت (ع) را به‌مرورزمان پرده‌خوانی می‌کنیم و به مساجد و پایگاه‌های دیگر

و ما برای برنامه‌ریزی برنامه‌ها بسیار دقت می‌کنیم تا جذب بسیج باشند؛ نه اینکه از آن‌رو برگردانند. برای نوجوانان و جوانان هم متناسب با رده سنی خودشان هر ۱۵ روز یک بار در هیئت برنامه‌های مختلفی دارند. اردوهای مختلفی برای همه رده‌های سنی برگزار کردیم و حداقل در سال دو اردوی بیرون از استان مانند مشهد مقدس و اردوهای تفریحی را برگزار می‌کنیم. در حوزه ورزشی فوتبال دستی، فوتسال، فوتبال، والیبال، تنیس روی میز و... را با تجهیزات و امکانات خودمان برگزار می‌کنیم. برخی از زمان‌ها برای نمازگزاران مسجد نیز با امکانات موجود مسابقات ورزشی برگزار می‌کنیم.

جوانان بسیجی را به صورت رایگان به مشاوره قبل از ازدواج می‌فرستیم. برنامه دیگری که برای جوانان داریم توانمندسازی در حوزه کارآفرینی است. در این راستا بسیجیان به مراکز مختلف جهت جذب‌شدن برای آموزش و کسب درآمد معرفی می‌شوند. در همه مناسبت‌ها نیز جشن و ایستگاه صلواتی برپا می‌کنیم.

نیز ارائه دادیم تا آن‌ها نیز بهره ببرند. در حال حاضر حول موضوع‌های جهاد تبیین، معضلات و منکرات مسائل روز طراحی پرده انجام می‌شود و در حال برگزاری کلاس آموزشی هستیم تا بتوانیم این پرده‌ها را در حوزه روشنگری، بصیرت‌افزایی، جهاد تبیین و... که مؤثر باشد، طراحی و اجرا کنیم.

پایگاهی با ۵۵ شهید دفاع مقدس

فرمانده پایگاه شهید بهشتی‌نژاد در ادامه بیان می‌کند: فعالیت دیگر ما مراجعه به مدارس، دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های اعضای پایگاه بسیج است که به صورت مستمر انجام می‌شود. همچنین با معلمان و اساتید دانشگاه رابطه پایگاه ارتباط برقرار می‌کند تا اگر عضوی از بسیج مشکل تحصیلی دارد مشکل او را حل کنیم یا اگر توانایی دارد از توانایی او بهره ببریم. از اعضای فعال پایگاه بیش از ۴۰ نفر مدرک فوق‌لیسانس و حدود ۱۸ درصد مدرک دکتری دارند و سایر دوستان نیز دانشجوی کارشناسی هستند.

در حوزه جهاد، دو روز در هفته دو پزشک، یک متخصص و یک دندان‌پزشک



به صورت رایگان مردم را ویزیت می‌کنند. در حوزه‌های عملیاتی و فعالیت‌های عمرانی نیز اعضای بسیج پرتلاش هستند و می‌توانند در جامعه اسلامی ما تأثیرگذار باشند.

پایگاه شهید بهشتی نژاد حدود ۵۵ شهید بزرگوار در جنگ تحمیلی به اسلام تقدیم کرده است. هر کدام از این شهدا را به یکی از اعضای بسیج به عنوان الگوی رفتاری سپرده‌ایم. عضو بسیج موظف است زندگی شهید را از نزدیک مرور کند، با خانواده شهید ارتباط برقرار کند و صفات اخلاقی شهید را بررسی کند و به عنوان الگوسازی شهید دوم در پایگاه ما کسی است که رهرو شهیدی باشد که الگوبش بوده است. حلقه‌های صالحان نوجوانان، جوانان،

میان سالان، بزرگ سالان و پیش‌کسوتان نیز در طول سال فعال است و به صورت مستمر برنامه‌های آموزشی دارند. برنامه‌هایی که برگزار می‌کنیم حدود ۲۰۰ نفر مخاطب دارد. در حوزه قرآن ختم قرآن را داریم که هر شب در مسجد قرائت می‌شود همچنین تبیین و تفسیر هم صورت می‌گیرد. در پایگاه شهید بهشتی نژاد حدود پنج نفر حافظ قرآن هستند و حدود ۱۰ نفر نیز حدود ۱۰ تا ۳۰ جزء حفظ هستند. آموزش قرآن غیرحضوری نیز داریم که با توجه به نیاز خانواده‌های اعضای بسیج برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

برنامه «حال و احوالپرسی کسبه محل» با حضور هیئت‌امنا، امام جماعت و فرمانده پایگاه برگزار می‌شود. در این برنامه از کسبه

دعوت می‌کنیم تا در نماز جماعت حضور پیدا کنند و جویای مشکلات آن‌ها می‌شویم. هدف ما از این کار، این است که کسبه با پایگاه بسیج و مسجد ارتباط داشته باشند. خدا را شکر این برنامه به خوبی جواب داده و ارتباط کسبه با مسجد و پایگاه خیلی خوب است.

اگر کسی از نمازگزاران، بسیجیان و اهالی محله بیمار شود به آن‌ها سر می‌زنیم و اگر مشکلاتی دارند تلاش می‌کنیم تا مشکلاتشان را حل کنیم. به خانواده‌هایی که وضعیت معیشتی خوبی ندارند نیز با یاری خیران کمک می‌کنیم.

مسائل مالی یکی از موانع انجام فعالیت‌های مختلف است؛ اما تلاش می‌کنیم خودمان این مانع را رفع کنیم. به عنوان مثال زمانی

که برای برگزاری اردو با کمبود بودجه مواجه شدیم بچه‌ها نذر وقت می‌کردند و در روز جمعه کارهای عمرانی و... انجام می‌دادند و در قبال آن پول دریافت می‌کردند.

پایگاه بسیج شهید بهشتی نژاد مسجد امام سجاده (ع) نمونه‌ای عینی از این حقیقت است که اگر مسجد، برنامه‌محور، مردم‌پایه و نسل‌نگر اداره شود، می‌تواند پاسخگوی نیازهای متنوع یک محله باشد؛ از تربیت نیروی متعهد و متخصص گرفته تا حل مسائل اجتماعی، فرهنگی و معیشتی. تجربه این پایگاه نشان می‌دهد سرمایه اصلی محله، نیروی انسانی مؤمن و دغدغه‌مند است که با همت، خلاقیت و اخلاص می‌تواند حتی محدودیت‌های مالی را به فرصت تبدیل کند.

معجزه‌ای به نام زندگی

مصطفی غلامعلیان از برادران شهیدش عباس و علی و برادر جانبازش اکبر می‌گوید

در بعضی خانه‌ها، جنگ فقط یک فصل از تاریخ نیست؛ بخشی از زندگی است. خانه‌ای که نام شهید و جانباز با نفس‌های مادر و خاطره‌های برادر گره خورده، هنوز هم بوی ایثار می‌دهد. آنچه می‌خوانید، روایت مصطفی غلامعلیان است؛ برادر دو شهید، علی و عباس غلامعلیان و برادر جانباز اکبر غلامعلیان؛ روایتی از خانواده‌ای معمولی که روزگار، آن‌ها را به اسطوره‌های بی‌ادعا بدل کرد.

پدر خانواده شغل آزاد داشت و زندگی‌شان مثل بسیاری از خانواده‌های آن روزگار، ساده و مردمی می‌گذشت؛ اما با شروع انقلاب، مسیر زندگی فرزندان خانواده غلامعلیان تغییر کرد، مسیری که از مسجد و بسیج شروع شد و به جبهه و شهادت رسید.

عباس؛ نوجوان شجاع روزهای پر آشوب انقلاب

عباس متولد ۱۳۴۴ و فرزند دوم خانواده بود. او و برادرش علی، از نیروهای فعال بسیج به‌شمار می‌رفتند. پیش از انقلاب اعلامیه پخش می‌کردند و بعد از پیروزی انقلاب نیز در مقابله با گروهک‌ها فعال بودند. بعضی مواقع باهم به پایگاه بسیج می‌رفتیم و تا یک هفته فرصت نمی‌کردیم به خانه سری بزنیم. یک بار دشمن عباس را شناسایی کرده بود؛ صبح زود سه نفر او را گرفته و آن قدر با سکک کمریند خودش کتکش زده بودند که وقتی به خانه برگشت، از شدت جراحت و خون‌ریزی او را نشناختیم؛ بالین حال، به دلیل قدرت بدنی و روحیه ترسش، توانسته بود از دست آن‌ها فرار کند.

طلاساز باهوش جبهه‌ها

عباس تا سال سوم راهنمایی درس خواند و به شغل طلاسازی روی آورد. جوانی فعال، باهوش و کارراه‌انداز بود. اگر کسی در

کاری می‌ماند، عباس زود راه‌حلش را پیدا می‌کرد.

او در دوران سربازی به جبهه رفت و سرانجام در خرداد ۱۳۶۱ در منطقه محمدیه دارخوین، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به قلبش به شهادت رسید.

علی متولد ۱۳۴۵ و فرزند سوم خانواده بود. در هنرستان، رشته برق خواند و دیپلم گرفت. از نیروهای فعال بسیج و فرمانده پایگاه بود و از همین طریق به جبهه اعزام شد.

او علاوه بر روحیه رزمی، علاقه زیادی به کارهای فنی، نقاشی و ساختن داشت. از کودکی با وسایل ساده، ماشین می‌ساخت و می‌گفت می‌خواهم برای رزمنده‌ها ببرم.

توپ ۱۰۶ و کمینی که راه را بست

علی در جبهه روی توپ ۱۰۶ کار می‌کرد و مواضع دشمن را هدف می‌گرفت. شلیک از هر موضع، خطر بزرگی داشت؛ چراکه محل شناسایی می‌شد. بعد از هربار شلیک حداقل یک هفته از آن نقطه دوباره شلیک نمی‌کردند تا مورد هدف دشمن قرار نگیرند.

در دی‌ماه ۱۳۶۰، پس از حدود ۹ روز سکوت، علی برای شلیک مجدد به موضع رفت. دشمن در کمین بود. به محض اینکه با خودرو روی دیو قرار گرفت، با شلیک مستقیم پیشانی‌اش هدف قرار گرفت و به شهادت رسید.

آخرین مرخصی عباس؛ بازگشتی که بوی وداع می‌داد

عباس مدتی بعد از شهادت علی، به مرخصی آمد. لباس‌هایش خاکی و چهره‌اش آشفته بود؛ خبر شهادت برادر را فهمیده بود. خودش آرام‌آرام خبر را به خانواده داد. این مرخصی، آخرین دیدار عباس با خانواده بود. او بعد از مراسم چهل‌م علی به جبهه رفت و دیگر بازنگشت.

اکبر؛ برادری که بعد از دو آسمانی، راهی جبهه شد

اکبر متولد ۱۳۴۶ است؛ او هم از کودکی در بسیج حضور داشت. بعد از شهادت عباس و علی، تصمیم گرفت راه آن‌ها را ادامه دهد. پدرمان با رفتنش مخالف بود؛ اما اکبر پنهانی راهی جبهه شد. او تا کلاس اول دبیرستان درس خوانده بود و در ۱۳۶۳ به جبهه اعزام شد.

بدر؛ محاصره، دجله و معجزه‌ای به نام زندگی

در عملیات بدر، نیروها حدود ۴۰ کیلومتر روی آب دجله پیشروی کردند. برای شکستن محاصره دشمن وارد عمل شدند؛ اما خودشان هم در محاصره افتادند. ابتدا ترکش به پای اکبر خورد. فرمانده اعلام کرده بود همه مجروحان به عقب برگردند در راه بازگشت اکبر دوباره در محاصره دشمن افتاده بود. گلوله‌ای از پشت سر، به گردنش اصابت کرد، گلوله‌ای که از کنار نخاع و میان تارهای صوتی

عبور کرد و با شکستن چند دندان، از زیر بینی خارج شد. پزشک معالج در شیراز گفته بود: «من مسلمان نیستم؛ اما اگر در اسلام معجزه‌ای وجود داشته باشد، همین است. اگر گلوله یک میلی‌متر جابه‌جا می‌شد، قطع نخاع یا از دست رفتن صدا حتمی بود.»

از زبان مادر؛ تولد، نذر و نشانه‌ها

مادر شهیدان از کودکی علی چنین روایت می‌کند: هنگام تولد، قابله گفت که باید به بیمارستان بروم؛ اما پیش از خروج از خانه، علی به دنیا آمد؛ زیبا، سفیدرو و دوست‌داشتنی بود.

در ۱۰ سالگی به دلیل دل‌درد شدید، پزشکان گفتند باید عمل شود. نذر امام زین‌العابدین (ع) کردم و در مراجعه بعدی، پزشکان گفتند نیازی به عمل نیست؛ انگار معجزه‌ای رخ داده بود.

سخت‌اوت، صداقت و حساسیت به حلال و حرام

علی از کودکی دست‌ودل‌باز، مقید به حلال‌وحرام و بیزار از دروغ و اسراف بود. پولی که به‌دست می‌آورد، یا برای خودش خرج می‌کرد یا برای من هدیه می‌خرید. روزی در سفر مشهد تکه‌ای طلا پیدا کردیم. علی گفت آن را بفروشیم و پولش را برای جبهه بفرستیم.

لباس عیدی که هرگز پوشیده نشد

عید بود و علی برای خودش یک دست‌کت‌وشلوار و کفش نو خریده بود. عباس گفت: «الان جنگه، ما عید نداریم.» علی لباس‌ها را از تن درآورد و هیچ‌وقت فرصت پوشیدنش را پیدا نکرد. بعد از شهادتش، لباس‌ها را هدیه دادم.





دلارام قندهاری

اهمیت ورزش بانوان در محله‌ها

زهرالای، نوجوان قهرمان تنیس روی میز محله همت آباد، از افتخاراتش می‌گوید

«بهترین بازیکن مسابقات» در رده‌های سنی خود شدم که این امر، دقت نظر مربیان ملی را بیش از پیش به من جلب کرد.»

او می‌افزاید: «با ورود به رده سنی بزرگسالان، توانستم به سرعت جایگاه خود را در سطح اول تنیس روی میز بانوان کشور تثبیت کنم. حضور مستمر و موفق در لیگ برتر تنیس روی میز بانوان، مرا به یکی از ارکان اصلی تیم‌های مطرح اصفهانی تبدیل کرده است.»

کسب مدال‌های متعدد تیمی در قهرمانی کشور

نقش این بانوی قهرمان محله در تیم‌های باشگاهی، فراتر از صرفاً یک بازیکن کلیدی بوده است. او در این زمینه یادآور می‌شود: «اغلب در بازی‌های حساس، به عنوان بازیکن تعیین‌کننده ظاهر شده‌ام و امتیازات حیاتی را برای تیم به ارمغان آورده‌ام. برجسته‌ترین موفقیت‌های من در این رده شامل کسب مدال‌های متعدد تیمی در قهرمانی کشور و قرارگرفتن در جمع بهترین نفرات در رقابت‌های انفرادی بزرگسالان است که نشان‌دهنده توانایی در حفظ سطح عملکرد تحت فشار رقابت‌های سنگین بزرگسالان است.»

چشم‌انداز زهرالای برای آینده بسیار روشن و بلندپروازانه ترسیم شده است. هدف اصلی این قهرمان ملی، ارتقای سطح آمادگی خود به منظور حضوری قدرتمند در عرصه رقابت‌های بین‌المللی، حضور مستمر و تأثیرگذار در ترکیب اصلی تیم ملی بزرگسالان در مسابقات آسیایی و قهرمانی جهان، کسب مدال‌های انفرادی یا تیمی در رویدادهای مهم منطقه‌ای و قاره‌ای به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران است. تعهد و ظرفیت موجود در عملکرد زهرالای، نشان می‌دهد که او مصمم است تا با تکیه بر تلاش مستمر و بهره‌گیری از زیرساخت‌های ورزشی موجود، مسیر قهرمانی خود را با کسب افتخارات بزرگ‌تر ادامه داده و جایگاه تنیس روی میز بانوان ایران را در معادلات جهانی ارتقا بخشد.

مسیر طولانی است. فضای داخل پارک هم برای تمرین بانوان مناسب نیست.»

ورزش بانوان در محله‌ها توجه بیشتری داشته باشند

لای ادامه می‌دهد: «از شهردار محترم منطقه ۶ درخواست می‌کنم که به مسئله ورزش بانوان در محله‌ها توجه بیشتری داشته باشند و نیازهای آن‌ها را در این زمینه رفع کنند.»

او ادامه می‌دهد: «به عقیده من خواستن توانستن است و با پوشش چادر هم می‌توان قله‌های ورزشی را درنوردید.» این نوجوان قهرمان منطقه ۶ شهرداری اصفهان درباره فعالیت ورزشی‌اش تصریح می‌کند: «فعالیت حرفه‌ای من در دنیای تنیس روی میز، از سنین پایین و حدود ۹ سالگی و با حمایت بی‌دریغ خانواده و محیطی مستعد در اصفهان میسر شد. ابتدا استعدادهایم را تحت نظارت مربیان اولیه محک زدم و در این دوره، تمرکز اصلی بر تقویت پایه‌های فنی، کار بر روی حرکات پا (Footwork) و درک تاکتیک‌های اولیه بازی بود. این زیربنای قوی، عاملی تعیین‌کننده در صعود من به رده‌های بالاتر محسوب می‌شود.» این قهرمان ورزشی محله همت‌آباد خاطرنشان می‌کند: «کسب چندین عنوان قهرمانی و نایب‌قهرمانی در رقابت‌های انفرادی و تیمی قهرمانی کشور در رده‌های نونهالان و نوجوانان از مهم‌ترین افتخارات من در این رشته است.»

لای ادامه می‌دهد: «در تیم ملی رده‌های پایه شرکت کردم و عملکرد من منجر به دعوت مکرر به اردوهای تیم ملی در رده‌های سنی امید و جوانان شد؛ جایی که توانستم تجربیات ارزشمندی کسب و در سطح بین‌المللی تمرین کنم و در چند دوره، موفق به کسب عنوان

نیز شرکت کرده است. مربیان از او به عنوان ورزشکاری با اخلاق، پرسابقه و منظم یاد می‌کنند که همواره الگویی مناسب برای ورزشکاران جوان‌تر است. علاوه بر موفقیت‌های ورزشی، زهرالای از نظر شخصیتی نیز مورد احترام جامعه ورزشی اصفهان است.

نقش مهمی در تشویق دختران نوجوان به حضور در رشته تنیس دارد

او در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی مرتبط با ورزش بانوان شرکت می‌کند و نقش مهمی در تشویق دختران نوجوان به حضور در رشته تنیس دارد. این بانوی ورزشکار، با نمایش پیوسته مهارت‌های فنی برجسته و روحیه مثال‌زدنی رقابت، نماینده‌ای شایسته برای جامعه ورزش اصفهان در میدان‌ها گوناگون بوده است. سابقه درخشان او در کسب افتخارات متعدد در سطوح مختلف سنی، او را به چهره‌ای تأثیرگذار و مرجعی برای نسل جدید پینگ‌پنگ‌بازان تبدیل کرده است.

این بانوی ورزشکار محله همت‌آباد در گفت‌وگو باهم محله می‌گوید: «انتهای خیابان سپهسالار ورزشگاه شهید اصغر لای (عمومی پدرم) سالن ورزشی است که بیشتر برای فوتسال استفاده می‌شود و میز تنیس ندارد. من برای تمرینات باید به سالن ورزشی خانه تنیس خانه اصفهان بروم و

زهرالای یکی از چهره‌های برجسته و امیدبخش تنیس روی میز استان اصفهان است که با تلاش، پشتکار و استعداد چشمگیر خود توانسته در سال‌های اخیر به عنوان یکی از بهترین بازیکنان این رشته در سطح کشور شناخته شود. او از سنین کودکی وارد دنیای تنیس روی میز شد و با پشتکار فراوان و حضور مستمر در تمرینات و مسابقات، پله‌های پیشرفت را به سرعت طی کرد. این بانوی قهرمان نه تنها در رده‌های سنی پایه، بلکه در مسابقات جوانان و بزرگسالان نیز موفق به کسب مقام‌های متعدد شده است.

نمونه‌ای از نسل جدید ورزشکاران ایرانی

بسیاری از کارشناسان ورزشی او را نمونه‌ای از نسل جدید ورزشکاران ایرانی می‌دانند که با برنامه‌ریزی دقیق و روحیه رقابتی بالا می‌تواند آینده‌ای درخشان در سطح ملی و حتی بین‌المللی داشته باشد. از ویژگی‌های بارز بازی زهرالای، سرعت بالای واکنش‌ها، تمرکز ذهنی مثال‌زدنی و فن ضربات دقیق اوست؛ همچنین در تیم‌های اصفهان نقش تأثیرگذاری داشته و در رقابت‌های لیگ برتر کشور





اکرم کیانی

کاهش اعتیاد با فعالیت های فرهنگی

گفت وگو با رضا عابدی، روان شناس و فعال فرهنگی محله همت آباد

دعوت به مشارکت برای کاهش آسیب ها

او در پایان صحبت های خود با تأکید بر لزوم همکاری بیشتر فعالان فرهنگی می گوید: «از فعالان فرهنگی سطح شهر انتظار می رود در صورت امکان، از نظر حضور میدانی، حمایت مالی و تأمین تجهیزات به این محله کمک کنند تا در آینده شاهد توسعه بیشتر و کاهش آسیب های اجتماعی باشیم. متأسفانه شدت آسیب ها در محله همت آباد بیش از توان و تعداد فعالان فرهنگی است و این مسئله ضرورت حمایت گسترده تر را دوچندان می کند.» عابدی خاطرنشان می کند: «این محله آمادگی دریافت خدمات فرهنگی را دارد و اگر افراد یا مجموعه هایی بتوانند در حوزه فرهنگی، تأمین تجهیزات ورزشی یا برگزاری برنامه های ورزشی با تخفیف برای نوجوانان همکاری کنند، نقش مؤثری در کاهش آسیب ها خواهند داشت. مجموعه پیروان حضرت ابالفضل (ع) اصفهان نیز آمادگی پذیرش این همکاری ها را دارد و ظرفیت لازم برای استفاده از این امکانات در محله همت آباد وجود دارد.» او در پایان تصریح می کند: «در صورتی که تجهیزات ورزشی و امکانات مناسب در اختیار نوجوانان محله قرار گیرد، بدون شک به خوبی از آن استفاده خواهند کرد. متأسفانه به دلیل کمبود نیروهای فرهنگی و در مقابل، گستردگی و قدرت آسیب های اجتماعی، شرایط مطلوبی برای نوجوانان این محله فراهم نشده است؛ از این رو حضور نیروهای متخصص از نظر فکری، علمی، مالی و اجرایی و همچنین تأمین تجهیزات لازم، یک ضرورت جدی برای آینده محله همت آباد به شمار می رود.»



نوجوانی با مشکل دینی روبه رو باشد، روحانیون محله برای رفع آن به او کمک می کنند و اگر مشکل در حوزه خانوادگی یا روان شناختی باشد، به صورت فردی با او گفت وگو کرده و راهکارهای لازم ارائه می شود.»

او تأکید می کند: «ارتباط ما با این نوجوانان و جوانان مقطعی نیست و تلاش می کنیم ارتباط مستمر داشته باشیم تا مشاوره ها اثرگذار باشد و فرد بتواند به تدریج از مشکلات خود عبور کند.»

اهمیت توسعه فعالیت های فرهنگی برای کاهش مشکلات محله

این فعال فرهنگی با اشاره به فعالیت های خود می گوید: «بنده در مجموعه پیروان حضرت ابالفضل (ع) اصفهان فعالیت دارم و این مجموعه، محور اصلی فعالیت های من در محله همت آباد است. در کنار آن، به صورت فرعی در هیئت های مذهبی و مساجد محله نیز به ارائه خدمات فرهنگی و مشاوره ای می پردازم و تلاش کرده ام تا حد توان در کاهش مشکلات اهالی محله نقش داشته باشم.»

عابدی با اشاره به فعالیت های مجازی اظهار می کند: «تاکنون با همکاری انجمن خانواده پژوهی و سلامت روان، کارگاه های متعددی در فضای مجازی برگزار کرده ایم. یکی از این برنامه ها به مناسبت هفته سلامت روان بود که عموم مردم در آن شرکت کردند. همچنین در حوزه مهارت های زندگی نیز برنامه ها و کارگاه هایی برای عموم شهروندان برگزار شده است. عمده این فعالیت ها در محله همت آباد انجام می شود؛ اما برخی کارگاه ها در سطح شهر اصفهان برگزار شده است؛ چراکه مجوز انجمن خانواده پژوهی و سلامت روان از وزارت کشور بوده و فعالیت آن به صورت استانی است.

اصولی طی کند و بدون پشتوانه علمی و مدرک معتبر وارد این حرفه نشود. در گام سوم نیز هیچگاه از یادگیری و علم آموزی فاصله نگیرد و همواره در حال مطالعه و به روزکردن دانش خود باشد.»

فعالیت برای جذب نوجوانان و جوانان و جهت دهی برای کاهش اعتیاد

این روان شناس و فعال فرهنگی در خصوص فعالیت های خود برای جذب نوجوانان و جوانان محله و جهت دهی آن ها به منظور کاهش اعتیاد و فساد اجتماعی می گوید: «در این زمینه همکاری هایی با پایگاه بسیج، مسجد محله، هیئت های مذهبی، افراد معتمد و مذهبی محله داریم و تاکنون برنامه های متعددی نیز در این راستا اجرا شده است. با توجه به اینکه محله همت آباد جزو مناطق کم برخوردار محسوب می شود، به طور طبیعی با آسیب هایی مانند معضل مواد مخدر مواجه است و نوجوانان و جوانان بیش از دیگران در معرض این تهدیدها قرار دارند.»

او ادامه می دهد: «ضرورت اجرای برنامه های فرهنگی و تربیتی برای کاهش آسیب ها در این محله به خوبی احساس می شود؛ به همین دلیل، در طول سال برنامه هایی به صورت پیوسته اجرا شده که موجب جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و هیئت های مذهبی شده است.» عابدی در تشریح جزئیات این برنامه ها عنوان می کند: «در محله همت آباد به صورت هفتگی و معمولاً روزهای شنبه، اعضای هیئت مذهبی گرد هم جمع می شوند. علاوه بر فعالیت های مذهبی، برنامه های اردویی نیز برگزار می شود. همچنین جلسات خصوصی برای کمک به افرادی که با مشکلات مختلف مواجه هستند، به طور مستمر برقرار است. اگر

رضا عابدی، متولد ۱۳۷۷، دانش آموزخته مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روان شناسی از دانشگاه معارف قرآن و عبرت است و از اوایل مهرماه سال آینده نیز قرار است به عنوان دانشجوی دکتری روان شناسی تحصیل خود را ادامه دهد. او از دوران کودکی در محله همت آباد بزرگ شده، در همین محله به مدرسه رفته و تحصیل کرده است. پدر و پدربزرگ او نیز از ساکنان قدیمی این محله بوده اند و همین موضوع باعث شده پیوند عاطفی و اجتماعی عمیقی با همت آباد داشته باشد. عابدی پس از پایان دوران دبیرستان، به دلیل علاقه مندی به حوزه روان شناسی، تحصیل در این رشته را انتخاب می کند. او می گوید هرچه بیشتر با فضای علمی و کاربردی روان شناسی آشنا شده، علاقه اش به ادامه تحصیل در این حوزه نیز بیشتر شده است؛ به گونه ای که امروز علاوه بر فعالیت علمی، به عنوان یک فعال فرهنگی در محله محل زندگی خود نیز نقش آفرینی می کند.

لزوم شرکت مداوم در کارگاه های آموزشی برای کسب موفقیت

این روان شناس درخصوص فعالیت های علمی خود، از تألیف مقاله و کتاب در حوزه روان شناسی به «هم محله» می گوید: «پس از پایان دوره کارشناسی ارشد، موفق به تألیف مقاله و کتاب در حوزه تخصصی خود شدم. کارهای نهایی یکی از مقالاتم برای اسفندماه امسال در حال انجام است و یک کتاب نیز تألیف کرده ام که قرار است در ماه آینده منتشر شود. موضوع این مقاله و کتاب برگرفته از پایان نامه خودم است و به بررسی تأثیر درمان شناختی رفتاری و درمان معنوی خداسو بر انگیزه تحصیلی و اهمال کاری دانش آموزان می پردازد.»

او در ادامه با تأکید بر اهمیت آموزش مستمر می افزاید: «افرادی به ویژه جوانانی که علاقه مند به تحصیل در رشته روان شناسی هستند، برای موفق شدن باید در گام نخست دروس تخصصی دوره کارشناسی را بسیار جدی بگیرند؛ چراکه این دروس تا پایان تحصیلات تکمیلی همراه آن ها خواهد بود. اگر کسی دوست دارد در این رشته باسواد و توانمند شود، باید حتماً در کارگاه های آموزشی معتبر شرکت کند تا سطح دانش و مهارت خود را ارتقا دهد. البته شرکت در کارگاه ها زمانی مفید است که این دوره ها با حضور استادان باتجربه و متخصص برگزار شود.»

عابدی تصریح می کند: «یک روان شناس حرفه ای برای اینکه بتواند بهترین راهکار را به مخاطب خود ارائه دهد، باید از مهارت های متعددی برخوردار باشد. در گام نخست، فرد باید دروس تخصصی را به خوبی بیاموزد تا مهارت لازم را در این حوزه کسب کند. در گام دوم، تحصیلات دانشگاهی خود را به صورت کامل و



اکرم کیانی

نیم قرن تجربه در حرفه‌ای ظریف

گفت‌وگو با محمود کریمی، آرایشگر قدیمی محله همت‌آباد



محمود کریمی، متولد سال ۱۳۲۹، آرایشگر قدیمی و از اهالی شناخته‌شده محله همت‌آباد است. او از دوران کودکی و نوجوانی در همین محله بزرگ شده، دوره جوانی و میان‌سالی خود را نیز در همین محدوده قدیمی سپری کرده و امروز در ۷۵ سالگی، همچنان نامش با حرفه آرایشگری و خاطرات چند نسل از ساکنان همت‌آباد گره خورده است. کریمی نزدیک به نیم‌قرن است که در همین محله و در همان مغازه قدیمی، به حرفه آرایشگری مشغول بوده و شاهد تغییرات اجتماعی، فرهنگی و شهری این محله در طول دهه‌ها بوده است.

هشت سال شاگردی و کسب مهارت در حرفه آرایشگری

کریمی درباره نحوه ورودش به این حرفه ظریف و هنرمندانه به «هم‌محله» می‌گوید: «زمانی که کودک بودم، منزل پدرم پشت دبیرستان هراتی قرار داشت. در کنار خانه ما یک جوی آب عبور می‌کرد و آن موقع من تنها فرزند خانواده بودم. پدرم در شهرستان نجف‌آباد مشغول کار آسفالت خیابان‌ها بود و از نخستین افرادی بود که عملیات آسفالت خیابان‌های این شهرستان را انجام می‌داد. خانواده‌ام به دلیل وجود همان جوی آب نگران بودند که مبادا من در آن بیفتم و دچار حادثه شوم؛ به همین دلیل تصمیم گرفتند مرا به مغازه یک آرایشگر بیاورند تا هم از من مراقبت شود و هم کاری یاد بگیرم.»

او ادامه می‌دهد: «از همان دوران کودکی وارد مغازه آرایشگری شدم و حدود هشت سال به‌عنوان شاگرد در کنار استاد خود کار کردم. این شاگردی فقط یادگرفتن اصلاح مو نبود؛ بلکه یاد گرفتم چطور با مردم برخورد کنم، صبور باشم و احترام مشتری را نگه دارم. وقتی به سن بلوغ رسیدم و احساس کردم کار را به‌خوبی یاد گرفته‌ام، به‌صورت مستقل وارد این حرفه شدم و در یازدهم آذرماه سال ۱۳۴۵ مغازه آرایشگری خودم را در محله همت‌آباد دایر کردم؛ مغازه‌ای که تا امروز محل کسب و کار من بوده است.»

شکل‌گیری مغازه در محله‌ای کم‌امکانات

این آرایشگر قدیمی محله تصریح می‌کند: «زمینی که مغازه‌ام در آن ساخته شد، بخشی از خانه

می‌کرد. بسیاری از آرایشگران جوانی که امروز در محله فعال هستند، زمانی شاگرد من بوده‌اند.»

دشواری‌ها و آسیب‌های حرفه آرایشگری

این آرایشگر باسابقه درباره سختی‌های شغل خود می‌گوید: «آرایشگری کار آسانی نیست. بعد از چند سال کار، به‌تدریج کتف‌ها و گردن آسیب می‌بیند و دردهای مزمن شروع می‌شود. ایستادن‌های طولانی‌مدت باعث واریس پا می‌شود و فشار جسمی زیادی به فرد وارد می‌کند. اگر امروز کسی به مغازه من بیاید و بخواهد پسر یا برادرش را وارد این حرفه کند، صادقانه به او می‌گویم که خوب فکر کند و بداند این شغل سختی‌های خاص خودش را دارد.»

او می‌افزاید: «آرایشگری تنها شغلی است که درآمد مضاعف ندارد. تا زمانی که مشتری باشد، آرایشگر کار می‌کند و درآمد دارد و وقتی مشتری نباشد، هیچ سرمایه‌ای وجود ندارد که رشد کند. بسیاری از کسب‌وکارها با سرمایه‌گذاری سود می‌دهند؛ اما در این حرفه، همه چیز وابسته به حضور مشتری است.»

کریمی با اشاره به شرایط فعلی می‌گوید: «امروز حدود ۳۰ آرایشگر جوان در این محله فعالیت می‌کنند. بیشتر جوان‌ها ترجیح می‌دهند به مغازه‌های جوان‌ترها بزنند. بعضی‌ها هم تصور می‌کنند چون من سنم بالا رفته، دیگر نمی‌توانم خوب اصلاح کنم. بارها شنیده‌ام که مادری کودک ۱۰ ساله‌اش را به مغازه من آورده؛ اما بچه

پدرم بود. در آن زمان، محله همت‌آباد امکانات بسیار اندکی داشت. یاد می‌آید تنها یک تیر برق جلوی مغازه من و دو تیر برق جلوی سه مغازه دیگر وجود داشت. پدرم و دو نفر دیگر از اهالی، این تیرهای برق را از اداره برق خریدند و هزینه سیم‌کشی را هم پرداخت کردند تا اداره برق آن‌ها را در این محدوده نصب کند.»

او با مرور خاطرات گذشته می‌گوید: «بعد از همین چند مغازه، دیگر چیزی جز زمین‌های بایر وجود نداشت و خبری از ساخت‌وساز نبود. به‌مرور زمان و با افزایش جمعیت، محله توسعه پیدا کرد و امروز به شکلی درآمده که اصلاً قابل مقایسه با گذشته نیست.»

رونق کار در سال‌های گذشته

کریمی خاطرنشان می‌کند: «در گذشته، کار آرایشگری‌ام بسیار خوب بود و درآمد مناسبی داشتم. بیشتر مشتریانم از اهالی خود محله همت‌آباد بودند. زمانی که مغازه را باز کردم، در کل محله فقط دو آرایشگاه دیگر فعال بود؛ اما امروز تعداد آرایشگاه‌ها به حدود ۳۰ واحد رسیده است. من در دوران جوانی گواهینامه پایه یک گرفتم و هم‌زمان در شرکت پلی‌اکریل اصفهان هم مشغول به کار بودم. بعد از ظهرها به مغازه می‌آمدم و آرایشگری می‌کردم. این روند سال‌ها ادامه داشت.»

او ادامه می‌دهد: «در طول این سال‌ها حدود ۱۰ شاگرد داشتم و حتی این حرفه را به برادر هم یاد دادم که مدتی در همین مغازه کنار من کار



گفته که این عمو نمی‌تواند سرم را خوب اصلاح کند! این حرف‌ها گاهی آدم را دلگیر می‌کند.» او تصریح می‌کند: «مشتری‌ها نمی‌دانند همان آرایشگران جوانی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند، زمانی شاگرد من بوده‌اند. خیلی وقت‌ها هم مشتری‌ها در مغازه‌های دیگر هزینه بیشتری پرداخت می‌کنند؛ اما اگر من همان مبلغ را بگویم، اعتراض می‌کنند. با این حال، همیشه سعی کرده‌ام با انصاف کار کنم، به‌خصوص وقتی پای اصلاح موی کودکان در میان باشد.»

خاطرات محله‌ای کم‌برخوردار

کریمی درباره گذشته محله همت‌آباد می‌گوید: «در دوران کودکی ما، آب آشامیدنی در محله وجود نداشت. آب چاه هم کیفیت خوبی نداشت. مرحوم آقای کارزونی لوله‌کشی کوچ‌ها را انجام داد و سر هر کوچه یک شیر آب گذاشت. مردم برای استفاده از آب نوبت می‌گرفتند و گاهی هم بر سر آن دعوا می‌شد. برق هم وجود نداشت و از نظر امکانات شهری بسیار عقب‌افتاده بود. با این حال، من مغازه‌ام را اداره می‌کردم و زندگی می‌گذشت.»

خاطرات تلخ، شیرین و بروز بیماری

این آرایشگر قدیمی در ادامه از خاطرات تلخ و شیرین شغلش می‌گوید: «مدتی دچار بیماری عصبی شدم. هنگام صحبت با دیگران، ناگهان تعادل را از دست می‌دادم و زمین می‌خوردم. سال ۱۳۷۲ برای بررسی بیشتر به تهران رفتم، آزمایش‌ها انجام شد؛ اما پزشکان گفتند بیماری خاصی ندارم. بعد از بازگشت به اصفهان، دوباره همان مشکل تکرار شد.» او ادامه می‌دهد: «یکی از دوستانم که منشی دکتر قلب بود، مرا نزد پزشک برد. دکتر بعد از بررسی پرونده‌ام پرسید شغلت چیست. وقتی گفتم آرایشگر هستم، گفت این مشکل به دلیل شغل ایجاد شده است. توضیح دادم که آرایشگرها فقط مو اصلاح نمی‌کنند؛ بلکه شونده درددل مردم هستند و بار روحی زیادی را تحمل می‌کنند. من آدم احساساتی بودم و این فشار روی من تأثیر گذاشته بود.»

توصیه به جوانان علاقه‌مند به این حرفه

کریمی در پایان توصیه‌هایی برای جوانان دارد: «کسی که می‌خواهد آرایشگری را شغل اصلی خود قرار دهد، باید بداند داشتن مغازه‌ای مناسب، محیطی تمیز و برخورد خوب با مشتری بسیار مهم است. این شغل درآمد ثابتی ندارد و موفقیت در آن نیازمند استعداد، علاقه، اخلاق خوب و انصاف است. باید مشتری‌مدار بود و شرایط مردم را در نظر گرفت.»

او تأکید می‌کند: «سرمایه یک آرایشگر همان قیچی و ابزار کارش است. با شرایط امروز جامعه و تورم، نباید انتظار درآمدهای بالا داشت. این حرفه زحمت زیادی دارد و هر کسی که وارد آن می‌شود، باید این واقعیت‌ها را بپذیرد. با این حال، وقتی می‌بینم مشتری‌هایی از بهارستان یا حتی ۳۰ کیلومتر دورتر برای اصلاح به مغازه‌ام می‌آیند، احساس می‌کنم تمام این سال‌ها بی‌ثمر نبوده است.»



زهره سادات طالقانی

همت‌های بلند در مسجد محله همت آباد

روایت فعالیت‌های مسجد خاتم‌الانبیا در زیست محله همت آباد

مسجد خاتم‌الانبیا با محوریت هیئت محبان حضرت‌علی‌اکبر(ع) و همراهی پایگاه‌های بسیج و کانون فرهنگی شمیم یاس در سال‌های اخیر توانسته است فراتر از کارکرد سنتی مسجد، به یکی از تلاشگران مؤثر در زیست فرهنگی و اجتماعی محله همت‌آباد تبدیل شود؛ جریانی که با تکیه بر خانواده‌محوری، میدان‌دادن به جوانان و پاسخ‌گویی به مسائل واقعی مردم محله شکل گرفته است.

محله همت‌آباد اصفهان یکی از محله‌های در حال تغییر در جنوب شرقی شهر اصفهان و در منطقه ۶ شهرداری است. این محله از شمال با خیابان قائم‌مقام فراهانی و خیابان آیت‌الله ارباب، از جنوب با خیابان لاوی و بزرگراه همت و از غرب با خیابان سجاد و میدان شهید لاوی محدود شده است و با محله‌های تخت‌فولاد، کوله‌پارچه و آبشار مجاورت دارد.

در مسجد خاتم‌الانبیای محله همت‌آباد که باز می‌شود، فقط وارد یک فضای عبادی نمی‌شوی؛ قدم به زیست‌بومی می‌گذاری که نسل‌ها در آن کنار هم نفس می‌کشند؛ جایی که نام هیئت محبان حضرت علی‌اکبر(ع)، پایگاه‌های بسیج برادران و خواهران شهید باهنر و کانون فرهنگی شمیم یاس سال‌هاست باهم گره‌خورده و هویتی متفاوت برای محله ساخته است.

اینجا برنامه‌ها فقط برای «یک قشر خاص» طراحی نشده‌اند. از همان ابتدا، نگاه مجموعه بر خانواده‌محوری استوار بوده؛ برنامه‌هایی که پدر و فرزند، مادر و دختر، نوجوان و سالمند را کنار هم می‌نشانند؛ مراسمی که نه تنها نسل‌ها را از هم جدا نمی‌کند، بلکه به‌عمد آن‌ها را به گفت‌وگو و همراهی دعوت می‌کند. شاید به همین دلیل است که مراسم هفتگی، مناسبتی و سالانه هیئت که سالانه چهار تا شش بار برگزار می‌شود، حال‌وهوایی شبیه یک گردهمایی خانوادگی بزرگ دارد.

جوانان، ستون‌های حرکت این مجموعه‌اند. از طراحی برنامه‌ها و مدیریت اجرایی گرفته تا ارتباط‌گیری در فضای مجازی و جذب مخاطبان جدید، بخش زیادی از بار فعالیت‌ها بر دوش آن‌هاست. انگیزه‌شان نه از سر اجبار، بلکه حاصل اعتماد است، اعتمادی که به آن‌ها داده و حالات‌تبدیل به تعهد شده است. همین اعتماد، جوان‌ها را پای کار نگه‌داشته و باعث استمرار برنامه‌ها شده است.

میدان‌داری جوانان در برنامه‌های فرهنگی مسجد

در شب‌هایی که مسجد خاتم‌الانبیا میزبان برنامه‌هاست، تفاوت را می‌شود از همان حیاط مسجد حس کرد. صدای خنده نوجوان‌ها با سلام‌علیک سالمندان درهم می‌آمیزد و جوان‌ها بی‌آنکه کسی از آن‌ها بخواهد، مشغول نظم‌دادن، خوشامدگویی و آماده‌سازی فضا هستند. اینجا مرزی میان



نسل‌ها کشیده نمی‌شود؛ همه در یک جریان مشترک نفس می‌کشند و هرکدام نقشی دارند که دیده می‌شود و معنا دارد.

اما آنچه مسجد خاتم‌الانبیا را از بسیاری مساجد دیگر متمایز می‌کند، جرئت سپردن میدان به نوجوانان است. استفاده از نیروهای اجرایی و حتی مداحان نوجوان در مراسم و برنامه‌های بزرگ، در نگاه اول شاید غیرمرسوم به نظر برسد؛ اما نتیجه‌اش شگفت‌انگیز است. نوجوانانی که به جای تماشاگر بودن، در متن اجرا قرار گرفته‌اند، امروز به سرمایه‌های انسانی هیئت تبدیل شده‌اند، سرمایه‌هایی که دیده شده‌اند، رشد کرده‌اند و حالا خودشان دیگران را جذب می‌کنند.

نوجوانان مسجد، فقط تماشاگر یا مخاطب نیستند؛ برخی از آن‌ها مسئول اجرا هستند؛ بعضی پشت سیستم صوت و برخی در صفوف نظم‌دهی و حتی روی جایگاه مداحی حضور دارند. شورشان خام و گذرا نیست؛ هیجانی است آمیخته با مسئولیت. وقتی مداح نوجوانی با صدایی که هنوز رنگ جوانی دارد، جمع را همراه می‌کند، برق نگاه هم‌سن‌وسال‌هایش نشان می‌دهد که این فضا، صمیمی است؛ جایی که می‌شود خودت باشی و رشد کنی.

در کنار این شور جوانانه، حضور سالمندان رنگ دیگری به مسجد می‌دهد. آن‌ها با آرامش و تجربه‌شان، تکیه‌گاه معنوی این جمع‌اند؛ کسانی که با نگاه رضایت‌آمیزشان، مسیر را تأیید می‌کنند و با خاطره‌هایشان، ریشه‌ها را یادآور می‌شوند. نشستن نوجوان

کنار پیرمردی که سال‌ها پای همین مسجد نمازخوانده، تصویری است که کمتر در قاب‌های رسمی دیده می‌شود؛ اما روح مسجد خاتم‌الانبیا را دقیقاً همین تصویر می‌سازد.

جواد جمشیدی، از فعالان این مجموعه می‌گوید: «هیئت و مجموعه فرهنگی مسجد خاتم‌الانبیا در طول سال و در تمام مناسبت‌های ملی و مذهبی و ولادت‌ها، اعیاد، شهادت‌ها و مناسبت‌های ملی از قبیل دهه فجر و راه‌پیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس از درب مسجد برنامه دارد؛ همچنین برپایی ایستگاه‌های صلواتی و فرهنگی درب مسجد در مناسبت‌های مختلف و برنامه‌های اجتماعی مثل مشارکت فعال در زمان کرونا و رفع آلودگی تا کمک‌های معیشتی و شب یلدا از جمله این فعالیت‌هاست.»

استمرار برنامه‌های جوانان یکی از اصول خدشه‌ناپذیر کانون است. «ما فقط برنامه مقطعی نداریم؛ ارتباط را با جوانان حفظ می‌کنیم». این ارتباط، هم در فضای واقعی شکل می‌گیرد و هم در فضای مجازی. گروه‌ها و کانال‌ها، در کنار گروه‌های دوستی کوچک‌تر که زیر نظر رابطان فرهنگی فعالیت می‌کنند، شبکه‌ای انسانی ساخته‌اند که نوجوان و جوان را رها نمی‌کند.

روایت یک جریان فرهنگی مداوم

جمشیدی می‌گوید: «مسیر ارتباط با نسل امروز بی‌چالش نیست. سطحی‌گرایی و زمان‌بری بودن فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هاست. پاسخ کانون



انکار یا حذف این فضا نبوده، بلکه جایگزین‌سازی هوشمندانه است: دعوت از سخنرانان جوان، جلسه‌های تعاملی، پرسش و پاسخ‌های صریح و ایجاد پیوند از طریق دوستان. اینجا کسی به خاطر پرسش یا حتی نقدش طرد نمی‌شود؛ تضارب‌آرا نه تهدید، بلکه فرصتی برای رشد تلقی می‌شود.»

نقش اجتماعی مسجد هم پررنگ است. در مقابله با فقر، محصولات تعاونی با کمک خیرین محلی تهیه و گاه رایگان بین اهالی توزیع شده است. در حوزه اعتیاد، کار از «فرهنگ‌سازی» شروع می‌شود و تا همراهی افراد در حال ترک و دعوتشان به مراسم هیئت ادامه می‌یابد؛ مسیری آرام، انسانی و بدون قضاوت.

حضور بانوان نیز فقط نمادین نیست. پایگاه بسیج خواهران شهید باهنر با برگزاری برنامه‌هایی مثل جزء‌خوانی قرآن در ماه رمضان و کلاس‌های آموزشی و فرهنگی، نقش فعالی در ارتقای اجتماعی محله ایفا کرده است.

این همنشینی نسل‌ها، شوروهیجان را از سطح احساسات لحظه‌ای بالاتر برده و آن را به یک تجربه ماندگار تبدیل کرده است. تجربه‌ای که در آن، نوجوان انگیزه می‌گیرد، جوان اثر می‌گذارد و سالمند احساس تعلق و امید می‌کند و بانوان نقش آفرین هستند. شاید راز پویایی این مسجد همین باشد: هیچ گروهی در آن احساس تنهایی و رکود نمی‌کند.

جمشیدی به یکی از زیباترین خاطره‌ها اشاره کرده و با لبخند تعریف می‌کند: «آشنایی ساده‌ای در قافله عزاداری شهادت حضرت‌زهر(س) به معرفی یک خانواده سادات برای امر خیر انجامید و ازدواجی در روز عید غدیر رقم خورد. سال بعد، همان زوج به‌همراه چند دوست مجرد دیگر به قافله بازگشتند.» ممنون لطف مادر این خانواده‌ایم.» مسجد خاتم‌الانبیا به آینده نگاهی جسورانه دارد.

ایده تشکیل کمیته‌های تخصصی، از پزشکان و وکلای گرفته تا گروه‌های ورزشی و فنی‌مهندسی، برای حل مسائل محله همت‌آباد که نیاز به عملیاتی‌شدن دارد، نشان می‌دهد هدف فقط برگزاری مراسم در مسجد نیست؛ بلکه ساختن یک قطب فرهنگی اجتماعی است. آرزویی که هیئت‌امنا برای ۱۰ سال آینده دارند، استمرار همین مسیر است: حضور فعال همه نسل‌ها در کنار خانواده و ارتقای محله در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی. شاید رمز هماهنگی و موفقیت این کانون و مسجد در یک جمله خلاصه شود: بازگشت به فطرت مشترک انسان‌ها و وحدت حول محبت اهل‌بیت(ع). همین محور مشترک است که مسجد خاتم‌الانبیای محله همت‌آباد را از یک ساختمان، به یک «قلب تپنده» برای محله تبدیل کرده است.



مثیره فهامی

وقتی یک اتاق، تاریخ می شود

گزارشی از نمایشگاه شهید اصغر لاوی و روایت زندگی او از زبان فرزندش رسول

از پله‌ها که بالا می‌رویم، انگار قدم به قدم از زندگی روزمره جدا و وارد لایه‌ای دیگر از زمان می‌شویم؛ طبقه سوم خانه، جایی که یک اتاق ساده به نمایشگاهی از خاطره، ایمان و رشادت تبدیل شده است. آغاز نمایشگاه با تصویری آشناست؛ عکسی از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید آیت‌الله رئیسی که نگاهشان به تو خوشامد می‌گوید. کنار آن، تصویری از یک قرآن قرار دارد، قرآنی که در آتش‌سوزی یک کارگاه ساختمانی، تنها شیء سالم باقی‌مانده و گویی خود، روایتگر معجزه‌ای خاموش است.

جام‌هایی که نام شهید را زنده نگه می‌دارند

پیش از ورود به اتاق، میزی قرار دارد که روی آن، لوح‌های تقدیر و جام‌های قهرمانی فوتبال چیده شده‌اند؛ یادگار مسابقاتی که هر سال به یاد شهید اصغر لاوی برگزار می‌شود؛ جام‌هایی که فقط نشانه پیروزی در زمین فوتبال نیستند، بلکه سند زنده‌ای از ادامه‌دار بودن نام شهیدند؛ همان زمینی که روزی خاکی بود و شهید در آن فوتبال بازی می‌کرد و حالا به مجموعه فرهنگی ورزشی تبدیل شده است و نام شهید لاوی را بر خود دارد؛ بر دیوارها نیز پیراهن‌های ورزشی تیم‌های مختلف نصب شده‌اند؛ هدایایی برای این نمایشگاه.

اتاقی که بوی جبهه می‌دهد

با ورود به اتاق، سقف پر است از سرپنده‌های قرمز و سبز، سرپندهایی که بوی جبهه می‌دهند و یادآور روزهای جنگ و رشادت‌اند. دیوار روبه‌رو تصویری ایستاده از شهید را در خود جای داده است و درست مقابل آن، چوب‌ها و نی‌هایی قرار دارند که ناخودآگاه ذهن را به هور می‌برند. دورتادور اتاق، طاقچه‌هایی دیده می‌شوند، طاقچه‌هایی که زندگی شهید را از کودکی تا شهادت، بی‌صدا روایت می‌کنند؛ از کارنامه‌های تحصیلی گرفته تا کارت‌ها و گواهینامه‌ها.



به روزهای دود و آتش، به جبهه و جنگ، پرت می‌کنند.

شهادت؛ میراث یک خانواده

عکس شهیدان محمدعلی و حمید جهانبخش، پسرعمه‌های شهید و شهید حسن حسین‌پور، پسرعمه دیگر، بر دیوار دیده می‌شود؛ تصویری که گواهی می‌دهند شهادت در این خانواده، اتفاقی نیست؛ بلکه میراثی ماندگار است که جوانان خانواده از آن بهره برده‌اند. فضای اتاق با همه این نشانه‌ها، آرامشی عجیب دارد؛ آرامشی که خسته‌ات نمی‌کند و دلت می‌خواهد ساعت‌ها اینجا بنشینی و بمانی.

لباس دامادی کنار لباس رزم

در میان همه این وسایل، لباس سفید شب عروسی و کت دامادی شهید بیش از هر چیز چشم را می‌گیرد؛ لباسی که نشانه آغاز یک زندگی بود و حالا کنار لباس کاراته، دوربین و وسایل عکاسی قرار گرفته است؛ نشانه‌ای از علاقه شهید به ورزش، هنر و ثبت لحظه‌ها.

نخل‌ها تو را می‌خوانند

روی یکی از طاقچه‌ها که با چفیه پوشیده شده است، کتاب داستان زندگی شهید و دست‌نوشته‌هایش با عنوان «نخل‌ها تو را می‌خوانند» قرار دارد. مقابل آن، دانه‌های فشنگ یکی یکی کنار هم چیده شده‌اند و ناگهان آدم را

روایت پسر از پدری که زود آسمانی شد

در همین فضا، پای صحبت‌های رسول لاوی، فرزند شهید، می‌نشینیم و شنونده خاطره‌هایی از پدری می‌شویم که وقتی او هنوز یک سالش هم نشده بود، آسمانی شد. روایت‌ها ساده‌اند؛ اما سنگین؛ پر از دلتنگی و افتخار. اینجا شهید فقط یک نام یا عکس نیست؛ او هنوز نفس می‌کشد، هنوز حضور دارد و هنوز الهام می‌بخشد.

شهید اصغر لاوی طالخنوچه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۸ در خرمشهر، روستای حفار به دنیا آمد. اصالت خانوادگی‌اش به طالخنوچه شهرضا برمی‌گردد؛ اما به دلیل خشک‌سالی و کم‌شدن کار کشاورزی، پدر بزرگم حاجی آقا و مادر بزرگم بی‌بی، به خرمشهر مهاجرت می‌کنند. پدرم همان‌جا به دنیا می‌آید. او فرزند ششم خانواده بود.

سال ۱۳۴۶ با خانواده به اصفهان باز می‌گردند و در محله همت‌آباد ساکن می‌شوند و پدرم کلاس اول دبستان را در اصفهان شروع می‌کند.

در فوتبال، شنا و کوه‌نوردی بسیار حرفه‌ای بود

او از دوران نوجوانی فوتبال بازی می‌کرد؛ در همان زمین خاکی محل که امروز مجموعه فرهنگی ورزشی شهید لاوی شده است. باشگاه‌های سپاهان و ذوب‌آهن از او دعوت می‌کنند که به تیم‌هایشان اضافه شود؛ اما او نمی‌پذیرد و بازی کنار بچه‌های محل را ترجیح می‌دهد. هم‌بازی‌هایش می‌گفتند: وقتی اصغر می‌آمد، باوجود اینکه چیزی نمی‌گفت، هیچ‌کس مقابلش جرئت حرف نداشت؛ او کاراته و ورزش‌های باستانی کار می‌کرد و در فوتبال، شنا و کوه‌نوردی نیز بسیار حرفه‌ای بود.

ازدواج و راز لباس‌های گشاد

سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد. باینکه پسرعمه و دختردایی بودند، تا روز خواستگاری همدیگر را ندیده بودند؛ مادرم فقط می‌دانست که او جوانی بلندقد، لاغراندام و مذهبی است.



قبل از انقلاب مرتب در تظاهرات شرکت می کرد

مادر بزرگم می گفت: «اصغر مرتب در تظاهرات و فعالیت های انقلابی فعال بود. شبی که قرار بود مجسمه شاه را پایین بکشند، در خانه را قفل کردم که بیرون نرود؛ اما اصغر با قد بلندش، از روی در پرید و رفت. شب با لباس های خونی برگشت؛ خون مجروحانی بود که برای نجات، آن ها را بر دوشش گذاشته بود.»

تولد نمایشگاه شهید لاوی در ۱۳۹۵

مادر بزرگم سال ها از وسایل شهید نگهداری کرد؛ تا اینکه چند سال قبل از فوتش آن ها را به من داد و گفت: «حالا عقلت می رسد و می توانی از یادگاری های پدرت به خوبی مراقبت کنی.» سال ۱۳۹۵ و یک سال بعد از فوتش، این نمایشگاه را به یاد شهید برپا کردیم.

پدرم در ۲۹ دی ۱۳۶۵ در شلمچه، روستای پل نو، در سوله ای که پاتوق نیروهای زرهی و تجهیزات جنگی بود، با اصابت موشک دشمن به شهادت رسید. آن زمان فرمانده تیپ زرهی ۲۸ صفر بود و در مقطعی هم فرمانده تیپ پنج رمضان.

۲۷ سالش بود که به شهادت رسید. یکی از بچه های محل در روز تشییع پیکر شهید خیلی بی تابی کرده بود. وقتی علت را پرسیده بودند، گفته بود: «یک بار در بازی فوتبال، از پشت محکم به او زدم تا مانع گل زدنش شوم. افتاد و روی زمین خاکی مسجد مصلّا شر خورد. کف دستانش پر از خون و خاک شد؛ اما نه مقابله کرد و نه حرفی زد؛ حتی برنگشت ببیند چه کسی او را زمین زده است.»

هرسال برگزاری یادبودی به نام شهید

هرسال شب یا صبح جمعه یادبودی برای پدرم برگزار می کنیم. بزرگ ترین این یادبودها سال ۱۳۹۲ با حضور بیش از سه هزار و ۵۰۰ نفر بود؛ با پرچم ایوان طلای نجف؛ از گلستان شهدا تا خیابان سپهسالار. در راه سر هر کوچه ای که شهیدی داشت، توقف می کردیم و یادی از شهدای آن کوچه می شد؛ یادکردنی که دل پدران و مادران شهدا را بعد از سال ها شاد کرد.



قائل می شدند و حتی از او استخاره می خواستند.

آخرین دیدار

چند هفته قبل از شهادتش، تماس می گیرد و از ننه (مادر بزرگم) می خواهد با مادرم و من به اهواز بروند. من و مادرم، همراه عمویم به اهواز می رویم. این تنها دوره ای بود که پدرم هر شب به خانه می آمده و در کنار خانواده بوده است. روز آخر پدرم شکر، آب لیمو و وسایل دیگری می خرد و می گوید: «شاید فردا مهمان داشته باشیم»، آن، آخرین دیدار پدر و مادرم بوده است.

به مادر بزرگم ام الشهداء می گفتند

اهالی محل به مادر بزرگم به دلیل شهادت پسر و سه نوه اش «ام الشهداء» می گفتند. مادر بزرگم درباره آخرین دیدار با پدرم می گفت: «وقتی پیکرش را آوردند، رفتم برای دیدنش.» او از حس کردن گرمای صورت و محاسن پدرم زیر دستانش می گفت و دستی که در یقه لباس اصغر کرد و به ترکشی که در پهلوی و سینه اش جا خوش کرده بود.

دست نوشته هایش نوشته بود که از روی کاتالوگ تانک های روسی که یک صفحه فلزی جلوی تانک بوده و ترجمه آن، اطلاعات تانک را به دست می آورد و به دیگران آموزش می دهد.

قبولی پزشکی، ۴۰ روز بعد از شهادت

دیپلمش را قبل از انقلاب گرفت؛ ولی فرصت نکرد درسش را ادامه دهد. بین دو عملیات که به اصفهان می آید، از چهارباغ یک دسته کتاب می خرد و در سه ماه، فاصله بین دو عملیات درس می خواند و کنکور می دهد. روز چهلیم شهادتش، کارنامه قبولی اش در رشته پزشکی می رسد.

لبنان، سوریه و روز اسارت حاج احمد

او دو بار به لبنان، منطقه ژبدانی، دره بقاع و سوریه اعزام شد؛ اواخر سال ۶۱ و اوایل ۶۲ برای مأموریت های مستشاری و نماینده زرهی. در دست نوشته هایش از روز اسارت حاج احمد متوسلین نوشته بود؛ از زمانی که نیروهای فالانژ او را در ایست و بازرسی برده و دیگر او را ندیده بودند. عرب ها وقتی پدرم را در لباس سپاه می دیدند، برایش احترام خاصی

مادرم می گوید: «پدرت همیشه لباس گشاد می پوشید. برایم علت این کارش سؤال بود؛ تا اینکه یک روز از او پرسیدم. کلتش را از بالای کمد آورد و گفت: برای اینکه حمل اسلحه زیر لباسم مشخص نباشد، لباس بزرگ تر می پوشم.»

اصغر یکی از وفادارترین نیروهای من بود

مادرم می گوید: «ماشین سپاه را که از سر کار می آورد، در منزل خواهرش می گذاشت و بالینکه هیچ وسیله دیگری برای رفت و آمد نداشت، وقتی اینجا بود؛ هرگز از ماشین سپاه استفاده شخصی نمی کرد.» سردار جعفری، فرمانده اش، می گفت: «اصغر یکی از وفادارترین نیروهای من بود. از روزی که وارد زرهی شد و چیزی بلد نبود تا زمانی که به فرماندهای پخته تبدیل شد، همیشه پای کار بود.» در آموزش زرهی، همراه چند نفر از دوستانش آچار به دست می شوند و از روی تانک های غنیمتی، به صورت تجربی آموزش می بینند. با چم و خم آن ها آشنا می شوند و بعد برای دیگران کلاس آموزشی برگزار می کنند. در

نخل ها تو را می خوانند

کتاب نخل ها تو را می خوانند، کتابی دقیق، عمیق و جامع از زندگی نامه شهید اصغر لاوی با نثری روان و خواندنی است. این کتاب با اسناد و منابعی که نزد خانواده شهید بود و تحقیق های دامنه داری از سال ۹۲ تا سال ۹۶ توسط نویسنده کتاب، زهرا حیدری، به نگارش درآمد. شهید لاوی یکی از فرماندهان شجاع در یگان زرهی سپاه بود. او با تکیه بر تجربه هایی که در عملیات های مهم و سرنوشت ساز طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، محرم، بدر، خیبر و والفجره کسب کرده بود، در عملیات کربلای ۵ به عنوان فرمانده تیپ زرهی ۲۸ صفر وارد عمل شد. در عملیات کربلای ۵ و در منطقه عمومی شلمچه پس از ۱۰ روز نبرد شدید همراه با ۱۴ تن از هم زمانانش به افتخار شهادت نائل آمد. بخش بزرگی از کتاب نخل ها تو را می خوانند، مرهون خاطره های شفاهی و یاری حاجیه خانم بی بی سرخه، مادر شهید اصغر لاوی است. این کتاب داستان گونه با نثری زیبا در ۵۵۷ صفحه به بیان این خاطره ها پرداخته است و در قسمت پایانی کتاب نیز آلبومی از عکس های شهید در مقاطع مختلف زندگی و بعضی مدارک و اسناد او دیده می شود.

برشی از کتاب

حرف، توی دهان اصغر بود که صدای روزه موشک کاتیوشایی از راه دور آمد. بعد، صدا نزدیک و بلندتر شد. اصغر، سخنش را قطع کرد. صدا نزدیک تر شد و یک لحظه، زمان از حرکت ایستاد. همه جا را سکوت فراگرفت و همه از حرکت ایستادند. شعاع های نوری که از سقف به داخل می تابید، انگار سماع می کردند. لحظه آخر بود. نیروها فرصت نکردند آخ بگویند. انفجاری مهیب، همه را میخکوب کرد. موشک، سقف را سوراخ و یک تکه اش را قلوه کن کرد و خودش در کنار جمع منفجر شد.





زهره سادات کاظمی

همت آباد محله قهرمان هاست

مردم همت آباد روایتی متفاوت از مشکلات این محله قدیمی دارند



همت آباد از آن محله های قدیمی اصفهان است. تاریخ محله همت آباد که روزی به مفت آباد معروف و مأمن افراد ضعیف و کم درآمد بود، از زبان مردم شنیدنی است. یکی از خصلت های محله قدیمی همت آباد، کوچه های باریک و تنگ آن است. خانه های کوچک و به هم پیوسته تا انتهای کوچه پشت به پشت هم چیده شده اند و جورچین یک کوچه را که محل زندگی ده ها خانواده است، تکمیل کرده اند؛ خانواده هایی که مدل و شکل زندگی شان شبیه هم بوده و زندگی کارگری آن ها را به هم خیلی نزدیک می کرده است؛ البته در کنار مردم بومی محله از اقوام مختلف هم که به اجبار کسب و کار و درآوردن نان بیشتری در اصفهان راهی این محله ارزان قیمت شدند، ساکن هستند. سال های بعد از انقلاب همسایگی گلستان شهدا و دیدن هرروزه تشییع شهدا، محله همت آباد را به یکی از محله های قهرمان پرور بدل کرد و محله کوچک همت آباد حق همسایگی را به جا آورد و ۲۵۰ شهید را راهی گلستان شهدا کرد.

همت آباد درست در کنار و هم مرز همسایه خیابان و محله هایی قرار گرفته که تفاوت فاحشی به لحاظ اقتصادی و امکانات با آن ها دارد. خیابان آپادانا با همت آباد چیزی کمتر از یک کیلومتر فاصله دارد؛ اما فاصله ارزشی خیابان ها از زمین تا آسمان بوده است.

ضربه های مهلکی که به لحاظ فرهنگی به پیکر این محله وارد شده است

مردم در این محله با توجه به همه بی توجهی ها و کمبودها و آسیب هایی که به آن تحمیل شده؛ اما صفای خاصی دارند و روحیه مردم داری و معرفت آن ها زبانزد خیلی ها شده است. شاید خیلی ها از ضربه های مهلکی که به لحاظ فرهنگی به پیکر این محله وارد شده است، ناراحت هستند؛ ولی این محله زمینه تربیت انسان های بزرگی را در خودش داشته است. شاید بعضی ها تعریف غلطی از آن داشته باشند، اما با تمام سختی ها مادران این محله مادرانگی های زیادی در حق محله کرده و قهرمان های بزرگی در آن رشد کرده اند. شاید بی توجهی به این محله و در مسیر درست قرار نگرفتن و اجرانشدن عدالت در آن، برخی ظرفیت های محله را از بین برد. محله ای که ۲۵۰ شهید می تواند داشته باشد، می تواند لایق بهترین ها بوده و سطح محله از امکانات خوبی برخوردار باشد؛ اما کم کاری ها در ادوار گذشته ظلم بزرگی به این محله روا داشته است. شهرداری سال ها پیش برای بیرون راندن برخی زمینه های رشد معضل های شهری، طرح بازآفرینی و اصلاح ساختار جغرافیایی و شهری محله را رقم زد. ترکیب خانه های بسیار کوچک و اجرای تجمیع آن ها و ساخت آپارتمان ها با عنوان طرح بازآفرینی

بنویس؛ از آدم های تأثیرگذار محله که کم هم نیستند. حسن آقا از آن کاسب هایی است که حبیب خدا بودن برانده اش است. مردمی که کمی از نظر اقتصادی ضعیف هستند، سهمی از مشتری های حسن آقا بودند. حسن آقا از میوه و صیفی جات برایشان جدا می کرد و می گذاشت توی کیسه شان؛ آن ها هم دعا را بدرقه راه او می کردند. این میوه فروش محله همت آباد، بعضی روزها هم حراج می گذارد تا مردم راحت تر خرید کنند. خانمی که مشتری حسن آقا است، از گذشته تلخ و محرومیت محله همت آباد می گوید که حالا تغییرات زیادی کرده و اوضاعش بهتر شده است. می گوید: «آن وقت ها زمین ها مفت بود؛ اما پولی نداشتیم بخریم. خانه کوچک کوچک بود. زندگی سخت و کارگری داشتیم. محله امکاناتی نداشت؛ اما حالا بهتر شده است.» حسن آقا بیشتر مشغول این است که مشتری ها را راه بیندازد؛ اما در میان تلاشی که دارد، می گوید: «اگر دقت کرده باشید، بیشتر شهرها هم مفت آباد دارند و هم

زمینه ساز برخی تغییرات مثبت در محله شد؛ اما این طرح هم به صورت کامل اجرا نشد و هنوز هستند زمین های بایری که قرار بود در آن ها خانه های جدید ساخته شوند؛ ولی بالاتکلیف رها شده اند و مشکل بسیاری از مردم هستند. این زمین ها و خانه های فرسوده گاهی مردم این محله را آزار می دهد. در بازدید میدانی از محله این زمین های بایر که به گفته اهالی قرار بود طرح های مسکونی و پارک و فضای سبز اجرا شود، خاکی رها شده و چهره محله را نازیبا کرده است. در محله های قدیمی همیشه آدم های تأثیرگذار و بامرامی پیدا می شوند که هوای اهالی محله را دارند. در اولین مواجهه مان با مردم محله، به یکی از این بامرام ها که حسن آقا نام داشت، برخوردیم. حسن آقا میوه فروش محله همت آباد است. وقتی می فهمد قصدمان از آمدن به محله معرفی آن است، می گوید: «از خوبی و رشادت های محله بنویس. مشکلاتمان را بارها گفته ایم. اگر می خواهی بنویسی، از قهرمان های محله ام



سبزه میدان. اینجا حالا اسمش شده همت آباد. خانه های قدیمی و کوچک را خراب کردند تا محله را آباد کنند؛ اما کمی که گذشت، زمین ها را رها کردند و بخش کمی از آن ها را ساختند. حالا این زمین ها و خرابه ها محله را زشت کرده است. این محله شهداست و سر هر کوچه اسم یک شهید قرار دارد.»

اینجا زمانی یکی از قشنگ ترین محله های اصفهان بود

حسن آقا عرق خاصی به محله دارد و درباره گذشته محله بیان می کند: «اینجا زمانی یکی از قشنگ ترین محله های اصفهان بود. خیابان کوچک وسط محله که حالا به نام شهید خلیلی معروف است، بازار قدیمی محله بود. دو طرف مغازه داشت و همیشه پر مشتری بود. محله به هم پیوسته بوده و از لحاظ کسب و کار بهتر از دروازه شیراز بود. همت آباد که دو تکه شد، خیلی اوضاع فرق کرد و بد شد؛ حالا هم باید اجازه بدهند مردم خانه هایشان را بسازند تا محله رشد کند. اینجا مردم بومی هستند و همه همدیگر را می شناسند؛ اما چون شهرداری اجازه ساخت و ساز نمی دهد؛ محله دچار مشکل است.» یکی دیگر از اهالی محله هم محدود بودن مردم برای خرید و فروش و قیمت گذاری و ساخت و ساز در محله را راهی بن بست برای توسعه محله می داند. او می گوید: «شهرداری بر کاهش قیمت زمین محله تأثیر است. خانه های خراب و فرسوده در محله زیاد است؛ اما ارزش ملک را کاهش می دهند. این محله هیچ امکانات رفاهی ندارد و بچه ها توی همین زمین های خاکی بازی می کنند. هیچ سالن ورزشی و تفریحی و پارک و فضای سبز مناسبی نداریم. باید به محله همت آباد بیشتر توجه کنند تا مثل بقیه محله ها رشد کند.»



زهره قندهاری

اجرای طرح بازآفرینی در همت آباد

پاسخ‌های علی باقری، مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان، به مطالبه‌های ساکنان محله همت آباد

برای این مجموعه هستیم.

بافت فرسوده و خرابه‌های به‌جامانده و رهاشده باعث افزایش آسیب در محله و حضور معتادان شده است. برای سامان‌دهی این معضل چه اقدامی در دستور کار دارید؟

تمامی پلاک‌های تملک‌شده مربوط به شهرداری تخریب و آواربرداری شده و به همت شهرداری منطقه ۶ اقدام‌های فرهنگی در این محله در حال اجراست. برای حل این مسئله به همکاری همه شهروندان محله نیاز داریم؛ ضمناً در خصوص سرمایه‌گذاری و احیای بافت فرسوده کمک‌های راه و شهرسازی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در جلسه‌ها پیگیری می‌شود.

شهرداری اجازه فروش املاک به بهانه اجرای طرح‌های مختلف را به مردم نمی‌دهد؛ همچنین برای ساخت‌وساز سخت‌گیری می‌شود.

پاسخ شما در این خصوص چیست؟ طرح‌های مشارکتی و بازآفرینی بافت فرسوده در برنامه شهرداری منطقه ۶ برای حل این معضل در حال اجراست و در خصوص خرید و فروش و حقوق مالکانه هیچ‌گونه محدودیتی از سوی شهرداری وجود ندارد. با توجه به شرایط تعریف‌شده مربوط به بافت، کاربری و موقعیت زمین پاسخ‌های نقل و انتقال متناسب با آن صادر می‌شود.

چرا شهرداری در این محله برای ساخت‌وساز ارتفاع نمی‌دهد؟

به دلیل پلاک‌های ریزانه و معابر کم‌عرض در این محله مطابق با طرح مصوب تفصیلی امکان ساخت‌وساز تا ارتفاع مشخص وجود دارد و برای مواردی که دارای عرض‌گذر و مساحت عرصه مناسب است، حداکثر کد مصوب داده می‌شود.



محله همت‌آباد در استان اصفهان و در محدوده مرکزی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با خیابان طبیب‌اصفهانی، بزرگراه همت، خیابان پل شهید موسوی‌زاده، بلوار آیت‌الله ارباب، بلوار قائم‌مقام فراهانی و خیابان قائم‌مقام فراهانی، از شرق با خیابان سپهسالار و از غرب با خیابان لاوی، میدان شهید لاوی و بلوار امام‌سجاد (ع) محدود شده است و با محله‌های تخت‌فولاد، کوله‌پارچه و آبشار مجاورت دارد. فضای سبز پارک همت‌آباد ۷۸۳۰ مترمربع و مساحت بافت فرسوده آن ۷۵/۳۰ هکتار است. این محله ۱۴۲۸ نفر جمعیت دارد و مساحت آن ۴۹/۸۵ هکتار است. در این محله معضله‌هایی وجود دارد که علی باقری، مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان، به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

زمین‌های بایر رهاشده سال‌هاست بلا تکلیف مانده. پاسخ شما در این خصوص چیست؟

دو هزار و ۲۴۰ مترمربع در سه بلوک برای طرح بازآفرینی انجام شده است. ۴۴۲۵ مترمربع کاربری مسکونی در قالب شش بلوک به همراه ۲۴۳۵ مترمربع فضای سبز در حال برنامه‌ریزی برای تملک و اجراست.

ساکنان محله اذعان دارند که شهرداری اجازه ساخت‌وساز به مردم این محله نمی‌دهد. در این باره چه پاسخی دارید؟

شهرداری منطقه ۶ مطابق با طرح مصوب تفصیلی شهر اصفهان در محدوده قانونی اجازه ساخت‌وساز به شهروندان محترم را مانند گذشته می‌دهد و صرفاً بخشی از محدوده مصوب طرح بازآفرینی نیازمند تجمیع پلاک‌ها مطابق طرح مصوب است و بقیه محله بر اساس طرح تفصیلی در دستور کار قرار می‌گیرد.

محله همت‌آباد با کمبود شدید فضای سبز روبه‌روست. در این خصوص اقدامی در دستور کار دارید؟

احداث کاربری فضای سبز در محدوده بافت نوسازی محله همت‌آباد به مساحت ۲۴۳۵ مترمربع در دستور کار تملک و اجراست که حدود ۵۴ درصد آن تملک و آزادسازی شده است.

کمبود مکان تفریحی و ورزشی برای جوانان و امکانات زیباسازی در محله همت‌آباد، معضل دیگری است که ساکنان به آن اشاره کرده‌اند. در این خصوص چه پاسخی دارید؟

در حال حاضر ورزشگاه شهید لاوی آماده خدمات‌رسانی به شهروندان محترم محله همت‌آباد است و قطعه زمینی برای احداث مجموعه ورزشی در محدوده بافت نوسازی به مساحت ۲۱۸۵ مترمربع در طرح تفصیلی پیش‌بینی شده است.

مشاغل مزاحم در اطراف محله همت‌آباد و اشغال پیاده‌رو به وضوح

دید می‌شود. برخورد شما با این مسائل چگونه است؟

در سال‌های گذشته تعریض خیابان شهید خلیلی غربی و احداث پیاده‌رو به همت شهرداری منطقه ۶ انجام شده است؛ همچنین تعریض و سامان‌دهی مشاغل مزاحم در خیابان شهید خلیلی شرقی نیز در حال انجام است و با هرگونه سدمعبر برابر مقررات برخورد می‌شود. این مسئله نیازمند فرهنگ‌سازی و همکاری تمام کسبه و اهالی محل نیز است.

کمبود پارکینگ و ترافیک شدید در محله و کوچه‌های منتهی به محله یکی دیگر از مسائلی است که شهروندان به آن اشاره کرده‌اند. آیا قرار است در این خصوص اقدامی انجام شود؟

آزادسازی گلوگاه‌های محلی و روان‌سازی عبور و مرور در محله همت‌آباد جزو پروژه‌های هرساله منطقه ۶ است که در حال حاضر اجرا می‌شود؛ در ضمن بخشی از پارک خودروها به دلیل وجود زائران گلستان شهداست که پیگیر جانمایی و احداث پارکینگ طبقاتی





زهره قندهاری

تب و تاب عمران در منطقه ۶

مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان از اقدام‌های انجام‌شده در این منطقه و محله همت‌آباد می‌گوید



منطقه ۶ شهرداری اصفهان با مساحت ۶۶۰۰ هکتار، از شمال به پل سی‌وسه‌پل در مسیر زاینده‌رود تا پل بزرگمهر، از جنوب به پل اشکانود در مسیر ریل راه‌آهن تا پل راه‌آهن، از شرق به پل بزرگمهر در مسیر رودخانه تا پل اشکانود و از غرب به پل راه‌آهن در مسیر بزرگراه شهید دستجردی تا سی‌وسه‌پل محدود می‌شود. در این منطقه اقدام‌هایی انجام شده که علی‌باقری، مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان، در این گزارش مهم‌ترین آن‌ها را روایت کرده است.

فعال‌بودن بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومان پروژه عمرانی

منطقه ۶ به‌عنوان یکی از ۱۵ منطقه شهری اصفهان، در سال‌های اخیر شاهد اجرای پروژه‌های متعددی در حوزه‌های عمرانی، ترافیکی، خدمات شهری و فرهنگی بوده و روند اجرای این طرح‌ها مطلوب و روبه‌جلو است. این منطقه با اجرای ده‌ها پروژه عمرانی، ترافیکی، خدماتی و فرهنگی، یکی از مناطق فعال شهر به‌شمار می‌رود و در حال حاضر بیش از ۱،۵۰۰ میلیارد تومان پروژه در آن در دست اجرا قرار دارد. مجموع ارزش پروژه‌های فعال در منطقه ۶ بالغ بر ۱،۵۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود که این پروژه‌ها با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، بهبود زیرساخت‌های شهری و پاسخ‌گویی به نیازهای محله‌ای در حال اجراست. در سبد پروژه‌های سال ۱۴۰۴ منطقه ۶، تعداد ۸۷ پروژه پیش‌بینی شده است که خوشبختانه تاکنون حدود ۸۳ درصد از این پروژه‌ها با به اتمام رسیده، یا در حال اجراست و یا مراحل واگذاری به پیمانکار را طی می‌کند. پروژه‌های منطقه ۶ طیف گسترده‌ای از اقدام‌های عمرانی نظیر بهسازی معابر، اصلاح شبکه‌های ترافیکی، توسعه فضاهای خدماتی و اجرای طرح‌های فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود که با رویکرد محله‌محور و بر اساس اولویت‌های شهروندان تعریف شده‌اند. هدف اصلی ما، تکمیل پروژه‌ها در زمان‌بندی تعیین‌شده و با کیفیت مطلوب است تا آثار و نتایج آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن در زندگی روزمره شهروندان دیده شود. با تداوم حمایت‌های مدیریت شهری و همراهی شهروندان، امیدواریم شاهد بهره‌برداری هرچه سریع‌تر از پروژه‌های در دست اجرا و ارتقای بیش از پیش سطح خدمات‌رسانی در این منطقه باشیم.

بررسی ۹ پرونده مردمی در کمیته نظارتی شورای شهر

۹ پرونده و درخواست مردمی در جلسه کمیته نظارتی شورای اسلامی شهر اصفهان در منطقه ۶ با موضوع‌هایی همچون تراکم، تخفیف و تقسیط عوارض و صدور پروانه ساختمانی بررسی شد. شهروندان که تمایل به طرح مشکلات و ارائه درخواست‌های خود دارند، می‌توانند با مراجعه به سامانه کمیته‌های نظارتی شورای اسلامی شهر به نشانی <http://shoramgn.isfahan.ir> نسبت به ثبت درخواست خود اقدام کنند.

بهره‌برداری از مجموعه فرهنگی، مذهبی و

این نظرسنجی، در ساخت آینده محل زندگی خود نقش آفرین باشند. شهروندان شهرک شهید کشوری می‌توانند با مراجعه به لینک <https://survey.isfahan.ir/vote/c4afa4755/Isfahan> در این نظرسنجی شرکت کنند و دیدگاه‌ها، پیشنهادها و دغدغه‌های خود را درباره وضعیت موجود و نیازهای آینده شهرک ثبت کنند. نتایج این نظرسنجی به‌صورت دقیق تحلیل و در تدوین برنامه‌های اجرایی منطقه استفاده خواهد شد تا مسیر عمران، آبادانی و ارتقای کیفیت زندگی در شهرک شهید کشوری با همراهی مردم و براساس خواست آنان طی شود.

اجرای پروژه تعریض پل روی رودخانه در مرحله پایانی

پروژه تعریض پل روی رودخانه در ۷۲ کیلومتر ۲ رینگ چهارم (محدوده فیزادان) با هدف بهبود جریان ترافیکی و افزایش ظرفیت عبور و مرور در مرحله تکمیل است. با اجرای این طرح، عرض پل از ۲۴ متر به ۶۶ متر افزایش و ظرفیت ترافیکی مسیر به‌طور چشمگیری ارتقا پیدا می‌کند. این اقدام گامی مهم در توسعه زیرساخت‌های شهری و کاهش گلوگاه‌های ترافیکی به شمار می‌رود. هزینه اجرای این پروژه ۱۰۰ میلیارد تومان است و عملیات اجرایی آن با رعایت کامل استانداردهای فنی و ایمنی انجام می‌شود و بخش عمده مراحل سازه‌ای و زیرسازی آن به پایان رسیده است. رینگ چهارم ترافیکی اصفهان از پروژه‌های زیربنایی و کلان‌شهر اصفهان است که نقش مؤثری در توزیع ترافیک و تسهیل تردد خودروها در محورهای شمالی و جنوبی شهر دارد. این مسیر از مجموعه پل‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در شمال شرق آغاز شده و به سمت شهر دولت‌آباد، محدوده خورزوق و میدان استقلال در شمال غرب امتداد می‌یابد. در ادامه، مسیر رینگ چهارم از انتهای خیابان آتشگاه، خمینی‌شهر، درچه، پل زندان و شهر ابریشم در جنوب غرب اصفهان عبور می‌کند و سپس از سپاهان‌شهر به سمت اشکانود در شرق شهر امتداد پیدا می‌کند. تکمیل این پروژه نقش بسزایی در کاهش بار ترافیکی هسته مرکزی شهر، توسعه شبکه ارتباطی مناطق پیرامونی و تسهیل دسترسی شهروندان خواهد داشت و انتظار می‌رود در آینده نزدیک شاهد بهره‌برداری کامل آن باشیم.

از میدان شهید قوچانی تا سی‌وسه‌پل؛

اجرای رینگ پساب

احداث و تکمیل خطوط انتقال پساب برای آبیاری فضای سبز شهری، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های زیربنایی در حال اجرای این منطقه است که نقش مؤثری در کاهش فشار بر منابع محدود آب شرب و زیرزمینی دارد. در همین راستا، دو خط اصلی انتقال پساب از میدان شهید قوچانی به پل غدیر و از میدان شهید قوچانی به بزرگراه شهید کشوری در حال اجراست؛ همچنین خط انتقال پساب حدفاصل پل خواجو تا سی‌وسه‌پل که بخشی از رینگ پساب شهر اصفهان محسوب می‌شود، در مراحل تکمیلی قرار دارد. رینگ پساب شهر اصفهان با هدف تأمین آب موردنیاز فضای سبز و کاهش وابستگی به منابع طبیعی شکل‌گرفته و تکمیل این خطوط انتقال، امکان توزیع عادلانه و مستمر پساب تصفیه‌شده را در پهنه‌های مختلف شهری فراهم می‌کند. هم‌زمان با اجرای خطوط انتقال، پروژه احداث تصفیه‌خانه تکمیلی پساب در میدان شهید قوچانی و در مجاورت تصفیه‌خانه جنوب شهر اصفهان در دستور کار قرار گرفته است. در این تصفیه‌خانه، از فناوری‌های نوین و به‌روز از جمله سیستم تصفیه تکمیلی با تکنولوژی «نانوآزون» استفاده خواهد شد تا کیفیت پساب خروجی به سطحی مناسب برای آبیاری فضای سبز شهری برسد و از نظر زیست‌محیطی نیز کاملاً ایمن باشد.

با بهره‌برداری کامل از این مجموعه، در هر ثانیه حدود ۱۴۰ لیتر پساب تصفیه‌شده وارد شبکه آبیاری فضای سبز خواهد شد که این میزان نقش زیادی در پایداری فضای سبز شهر، به‌ویژه در شرایط کم‌آبی و خشک‌سالی‌های مستمر، ایفا می‌کند. ایستگاه‌های پمپاژ و شبکه توزیع پساب در طول مسیر نیز به‌صورت هم‌زمان در حال تکمیل است و بخش چشمگیری از این زیرساخت‌ها در تابستان سال جاری وارد مدار بهره‌برداری شده است.

تعطیلی ۳۱۴ کارگاه ساختمانی متخلف

در راستای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های ساختمانی متخلف، طی چندماه گذشته ۳۱۴ کارگاه ساختمانی در این منطقه تعطیل شد. برای رفع و پیشگیری از تخلف سد معبر، در این مدت ۲۹۹ تذکر و ۱۰۰۱ اخطار صادر و تخلف ۸۰۵ متصدی صنفی رفع شده است. ۴۹۶ اخطاریه با موضوع جلوگیری از نصب تابلوهای غیرمجاز در فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد شهریور، مهر، آبان و آذر سال جاری صادر و ۱۷۱ مورد نیز رفع تخلف شده است. در ۹ ماه سال جاری در راستای جمع‌آوری خودروهای فرسوده رهاشده در معابر منطقه، ۱۲۹ اخطاریه صادر و ۵۰ دستگاه از این خودروها جمع‌آوری شده است. در این مدت از بساط‌گستری و دست‌فروشی ۹۹۶ نفر جلوگیری شد و ۱۸۴ متدکی در این منطقه هدایت و سامان‌دهی شدند. طی فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر سال جاری در بخش کنترل ساختمان برای جلوگیری از ادامه فعالیت و تعطیلی کارگاه‌های ساختمانی متخلف یا بدون مجوز و پروانه از چهارمورد احداث زمین‌بایر جلوگیری شده است.

نوجوانان و جوانان در حوزه‌های فکری و اجتماعی، افزایش هویت دینی و اعتقادی و همچنین تقویت مشارکت‌های مردمی و مراکز فرهنگی» از مهم‌ترین معیارهای سنجش اثربخشی برنامه‌هاست.

برگزاری ۳۴ برنامه فرهنگی و ۶۵ اجرا به مناسبت اعیاد شعبانیه و دهه فجر

به مناسبت اعیاد مبارک شعبانیه و چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۳۴ عنوان برنامه فرهنگی با حدود ۶۵ اجرا در سطح محلات منطقه پیش‌بینی شده است که با رویکرد مشارکت‌محور و با محوریت ترویج اندیشه‌های انقلابی و ارزش‌های معنوی برگزار می‌شود. جشن‌ها و ویژه برنامه‌های نیمه شعبان به صورت کاملاً مشارکتی و با همراهی مساجد، کانون‌های فرهنگی، پایگاه‌های بسیج و مدارس در سطح محله‌های منطقه برگزار می‌شود که از جمله شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به برگزاری سلسله جشن‌های خانوادگی با عنوان «به عشق ظهور» در کانون فرهنگی امام خمینی(ره)، پایگاه شهید وطن‌پور، مجموعه هوانیروز، فرهنگ‌سرای همت و مسجد بقیة‌الله اشاره کرد.

کیفیت زندگی شهری محقق شود.

سنجش اثرگذاری فرهنگی برنامه‌های شهرداری با مشارکت مردم

مشارکت شهروندان، بازخورد مخاطبان و تغییرات رفتاری جامعه، معیارهای واقعی برای سنجش اثرگذاری برنامه‌هاست و می‌تواند کیفیت سیاست‌گذاری‌ها را ارتقا دهد. بخش قابل توجهی از میزان موفقیت برنامه‌های فرهنگی، ماهیت کیفی دارد و سنجش آن تنها از طریق آمار و نمودار انجام‌شدنی نیست؛ به همین دلیل، رضایت‌مندی شهروندان و تغییرات رفتاری و نگرشی جامعه، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی محسوب می‌شود. هرچند ابزارهای کمی همچون نمودارهای عملکردی، گزارش‌های اجرایی و مقایسه‌ای، نقش مهمی در تحلیل روند فعالیت‌ها دارند؛ اما داده‌های اصلی از میزان مشارکت مردم، بازخورد مخاطبان و اثرگذاری برنامه‌ها به دست می‌آید. ایجاد اثرگذاری ماندگار بر اذهان عمومی، تغییر نگرش‌های

منطقه با برنامه‌ریزی مشخص و گسترده اجرا شده است. در این طرح، کاشت دوهزار اصله درخت در پارک‌های آبشار و ایثارگران، محدوده آینه‌خانه، خیابان سجاد، گلستان شهدا و مجموعه تاریخی تخت فولاد انجام شده است که نقش مؤثری در افزایش پوشش گیاهی و بهبود کیفیت زیست‌محیطی این محدوده‌ها دارد. کاشت سه هزار مترمربع چمن در زیرگذر سجاد، بلوار آبشار سوم، بلوار آینه‌خانه و بلوار شیخ صدوق به مرحله اجرا رسیده است تا جلوه بصری این معابر و فضاهای شهری ارتقا پیدا کند. یک هزار متر طول کاشت پرچین در خیابان چهارباغ بالا و پنج هزار مترمربع کاشت گل‌های فصلی در میدان فیض، چهارباغ، پارک ایثارگران، محدوده آینه‌خانه، آبشار، گلستان شهدا و تخت فولاد انجام شده است. توسعه فضای سبز و زیباسازی معابر شهری علاوه بر افزایش طراوت و نشاط شهر، نقش مهمی در بهبود کیفیت محیط‌زیست شهری، کاهش آلودگی‌ها و ایجاد فضایی دل‌پذیر برای شهروندان دارد.

این اقدامات به صورت مستمر و با توجه به نیازهای محله‌ها و فضاهای شهری منطقه ادامه خواهد داشت تا رضایت شهروندان و ارتقای

در این مدت از افزایش طبقات چهار ساختمان، تعمیرات داخلی غیرمجاز ۶۸ ساختمان، تبدیل وضعیت ۲۸ ساختمان و فعالیت ۵۲ کارگاه ساختمانی متخلف نیز جلوگیری شده است. طی ۹ ماه سال جاری در راستای اجرای بند ۶ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع مزاحمت کارگاه‌های صنفی مزاحم از طریق اجرای تمهیدات و تعطیلی ۲۱ رأی قضایی و براساس بند ۱۴ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع خطر از بناهای حادثه‌آفرین، چاله‌ها و اشیای مشرف به معابر عمومی هفت رأی اجرا شده است. در بخش کنترل دفع ضایعات ساختمانی در سطح شهر همچون تعطیلی کارگاه‌های ایجادکننده سد معبر و پیشگیری از تخلیه مصالح و نخاله در معابر عمومی اقداماتی انجام شده است. در این زمینه ۵۳۱ اخطار صادر و ۳۱۴ کارگاه ساختمانی متخلف نیز تعطیل شده است.

اجرای طرح‌های توسعه فضای سبز و زیباسازی معابر

در راستای ارتقای کیفیت محیط شهری، افزایش سرانه فضای سبز و بهبود منظر شهری، عملیات کاشت و بهسازی فضای سبز در نقاط مختلف

فرهنگ‌سرای پر از همت و تلاش

روایتی از امید، مشارکت و رشد در فرهنگ‌سرای شهید همت



فرهنگ‌سرای شهید همت از آن جاهایی است که تغییر، آرام و بی‌سروصدا اتفاق می‌افتد؛ نه با شعار و عجله، بلکه با وقت‌گذاشتن برای نسل نو که حرف دارد و همین توجه ساده، مسیر بسیاری از فرداها را عوض می‌کند. فرهنگ‌سرا همیشه فقط یک ساختمان با چند کلاس و سالن نیست؛ گاهی می‌شود جایی برای کشف خود، برای دوستی، برای شنیده شدن. فرهنگ‌سرای شهید همت در چند ماه گذشته تلاش کرده است دقیقاً همین معنا را برای کودکان و جوانان محله زنده کند؛ فضایی امن، پویا و صمیمی که کودکان و جوانان بتوانند در آن علایقشان را دنبال کنند، مهارت یاد بگیرند و بدون ترس از قضاوت، خود واقعی‌شان باشند.

نسل امروز با نسل چند سال پیش فرق دارد. سلیقه‌ها سریع تغییر کرده، پرسش‌ها عمیق‌تر شده و انتظار از فضاهای فرهنگی بالاتر رفته است. فرهنگ‌سرا این تغییر را نه به عنوان تهدید، بلکه به عنوان فرصت دیده است؛ به همین دلیل، برنامه‌ها طوری طراحی می‌شوند که انعطاف داشته باشند و بتوانند خودشان را با حال‌وهوای کودکان و جوانان هماهنگ کنند. اصل مهم در این مسیر، گوش‌دادن است؛ شنیدن نظرها، پیشنهادها و حتی اعتراض‌ها. برای همین، ساختار تصمیم‌گیری در فرهنگ‌سرا شکل مشارکتی به خود گرفته است.

انجمن نوجوانان، یکی از مهم‌ترین ایده‌های این مجموعه بوده که قرار است در تابستان آینده عملیاتی شود و جمعی از نوجوان‌های فعال که در برنامه‌ریزی‌ها، انتخاب موضوع کارگاه‌ها و حتی طراحی رویدادها نقش داشته باشند. اینجا نسل نو فقط مخاطب برنامه‌ها نیستند، بلکه خودشان بخشی از روند تصمیم‌سازی‌اند. همین مشارکت جوانان باعث شده است احساس تعلق قوی‌تری شکل بگیرد و فرهنگ‌سرا برای خیلی‌ها به

برای افراد بی‌سرپرست گرفته تا کمک به خانواده‌های نیازمند در مناسبت‌های مختلف. هرچند این برنامه‌ها هنوز در مقیاس محدود اجرا می‌شوند، نگاه مجموعه به گسترش آن‌هاست؛ چراکه مشکلات معیشتی و مسائل فرهنگی، اغلب درهم تنیده‌اند.

پیوند میان فرهنگ‌سرا و مدرسه تقویت شد

همکاری با مدارس و نهادهای آموزشی نیز بخش مهمی از این مسیر است. ارتباط مستمر با مدارس، حضور در برنامه‌های مشترک و شناسایی استعدادهای نوجوانان، باعث شده است پیوند میان فرهنگ‌سرا و مدرسه تقویت شود. این ارتباط کمک می‌کند نسل نو در مسیر رشد تنها نمانند و حمایت را در چند سطح تجربه کنند؛ خانواده‌ها هم در این چرخه نقش جدی دارند. جلسه‌های مشاوره، گفت‌وگو با والدین و استفاده از نظر آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، باعث شده است اعتماد متقابل شکل بگیرد. فرهنگ‌سرا تلاش می‌کند پلی باشد میان نسل نو و خانواده؛ جایی برای فهم بهتر نسل‌ها از یکدیگر. در همه این فعالیت‌ها، یک باور مشترک دیده می‌شود: اگر نسل نو احساس کند شنیده می‌شود و بداند نظرش مهم است، انگیزه پیدا می‌کند. خیلی از مشکلات از نگفتن‌ها شروع می‌شود و فرهنگ‌سرا تلاش کرده است فضایی بسازد که گفت‌وگو در آن جریان داشته باشد.

به گفته شهربانو استکی، مدیر فرهنگ‌سرای شهید همت، انگیزه اصلی کار با نوجوانان، دیدن انرژی، خلاقیت و رشد آن‌هاست؛ نسلی که هنوز می‌شود به آن اعتماد کرد. پیام این مجموعه به نوجوانان هم ساده و صمیمی است: هرکدام از شما یک الماس هستید؛ ما فقط کنار شما ایستاده‌ایم تا بدرخشید.

است نوجوان‌ها ارتباط عمیق‌تری با مفاهیم دینی برقرار کنند؛ بدون اینکه احساس فاصله یا تحمیل داشته باشند.

هوش مصنوعی، به فرهنگ‌سرا کمک کرده است تا با زبان نسل نوجوان حرف بزند

هم‌زمان، فضای مجازی هم جایگاه خودش را دارد. استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی، شبکه‌های اجتماعی و حتی ظرفیت‌های هوش مصنوعی، در کنار ارتباط حضوری، به فرهنگ‌سرا کمک کرده است تا با زبان نسل نوجوان حرف بزند. تأکید اصلی این است که فضای آنلاین مکمل ارتباط واقعی باشد؛ نه جایگزین آن.

در حوزه جذب منابع مالی و حمایت مردمی، فرهنگ‌سرا رویکرد فعالی را دنبال می‌کند. برگزاری رویدادهای جذاب، اطلاع‌رسانی هدفمند در فضای مجازی و حضور در نشست‌ها و برنامه‌های شهری، راه‌هایی است برای جلب مشارکت بیشتر. در کنار آن، فعالیت‌های خیریه و خدمات محله‌ای هم جایگاه ویژه‌ای دارند؛ از جمع‌آوری پوشاک

جایی آشنا و امن تبدیل شود؛ همچنین با توجه به اینکه محله همت‌آباد، محله‌ای سالمندمحور است، برنامه‌های آموزشی، ورزشی و تفریحی برای این عزیزان در فرهنگ‌سرای شهید همت اجرا می‌شود.

اعتماد؛ کلید رشد و درخشش

تنوع برنامه‌ها هم دقیقاً از همین نگاه می‌آید. کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، فن بیان، برنامه‌نویسی، طراحی گرافیک و آموزش‌های کاربردی دیگر، در کنار فعالیت‌های هنری، تلاش می‌کنند نوجوان‌ها را برای زندگی واقعی آماده کنند. هدف فقط پرکردن اوقات فراغت نیست؛ بلکه ساختن توانمندی و اعتماد به نفس است.

در بخش فرهنگی و مذهبی هم تلاش شده است فضا از حالت رسمی و تکراری فاصله بگیرد. جذب نوجوانان به مسجد، نه با اجبار و توصیه‌های مستقیم، بلکه با تجربه‌های جذاب و قابل لمس انجام می‌شود؛ کارگاه‌های هنری، مسابقات فیلم‌سازی، شب‌های شعر و برنامه‌های داستان‌گویی با مضامین مذهبی، اما با زبانی امروزی. این نوع نگاه باعث شده



زهره سادات طالقانی

حس و حال همت آباد

معضل های محله همت آباد و مهم ترین پروژه های منطقه ۶ شهرداری اصفهان

محله همت آباد در استان اصفهان و در محدوده مرکزی این شهر واقع شده است. این محله از شمال با خیابان طبیب اصفهانی، بزرگراه همت، خیابان پل شهید موسوی زاده، بلوار آیت الله ارباب، بلوار قائم مقام فراهانی و خیابان قائم مقام فراهانی، از شرق با خیابان سپهسالار و از غرب با خیابان لاوی، میدان شهید لاوی و بلوار امام سجاده (ع) محدود شده است و با محله های تخت فولاد، کوله پارچه و آبشار مجاورت دارد.

معضل های محله همت آباد



وجود مشاغل
مزاحم



بافت
فرسوده



کمبود شدید
فضای سبز



بلا تکلیفی
زمین های بایر



کمبود مکان تفریحی
و ورزشی برای جوانان



ترافیک شدید
در محله



عدم اجازه شهرداری برای
ساخت و ساز و فروش املاک به مردم



کمبود
پارکینگ

مهم ترین اقدام های انجام شده در منطقه ۶ شهرداری اصفهان

- اجرای پروژه گذر تجار
- تعریض ورودی ترمینال صفه
- احداث تصفیه خانه میدان قوچانی
- احداث رینگ چهارم
- اجرای پروژه سالن اجلاس
- سامان دهی گلستان شهدا
- برگزاری ۳۴ برنامه فرهنگی و ۶۵ اجرا به مناسبت اعیاد شعبانیه و دهه فجر

- فعال بودن بیش از یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پروژه عمرانی
- جشنواره بزرگ ترکیبی «جایزه بازی»
- بررسی پرونده های مردمی در کمیته نظارتی شورای شهر
- بهره برداری از مجموعه فرهنگی، مذهبی و ورزشی شهرک شهید کشوری
- اجرای پروژه تعریض پل روی رودخانه
- اجرای رینگ پساب
- تعطیلی ۳۱۴ کارگاه ساختمانی متخلف
- اجرای طرح های توسعه فضای سبز و زیباسازی معابر

مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری
مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی
ویراستار عذرا دانی، سارا حقیقی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعات پیام اصفهان زیبا
مدیر مسئول دکتر علی قاسم زاده
مدیر عامل احسان تیموری سیجانی
سر دبیر محمد حسین اعترازیان
دبیر ویژه نامه محسن حیدری فرد
عکس کوثر رحیمی

اصفهان زیبا
همه محله



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید